

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

; e BOOK

انتشار کتاب اول

گرد آورنده: رضا عباسی نک

اگه می خواید تو چاپ کتابی که واسش زحمت کشیدید رو دستی نخورید ضرر ندید خوندن این کتاب رو بهتون توصیه می کنم

ایمیل

Ra.nak@chmail.ir

; e BOOK



به نام خدا

این کتاب برای مولفان تازه کار می تواند درسهای بزرگی بدهد

این کتاب را به سایر نویسندگان تازه کار هدیه بدهید ;

منبع: اینترنت

فهرست

4 مراحل گرفتن مجوز برای نویسندگانی که می خواهند بدون ناشر کتاب چاپ کنند

4 داستانهای عاشقانه اخذ مجوز

7 نوشتن گروهی

9 جلد کتاب

14 قرار داد با ناشر

15 قطع های کتاب دوم

16 نکات قرارداد با ناشر

18 پخش و توزیع

21 تجربیات دیگر نویسنده

22 کلاهبرداریهای ناشرین و مقابله با آنها

25 درآمد نویسندگی

27 نکات مفید برای کسانی که خودشان کتاب چاپ می کنند

29 یک روش تست برای کیفیت صحافی وجود دارد

30 مباحث فنی چاپ

31 طراحی شناسنامه کتاب

33 طراحی صفحات خاص

36 صحافی

37 فونت و صفحه آرایی

40 یک مصاحبه از یک نویسنده، نکات مفید

41 کتاب اول چگونه منتشر می‌شود؟

42 بعد از چاپ کتاب

43 مافیای توزیع؛ مشکل اساسی

44 راه حل ناشرین برای کتاب‌های شعر

44 مشکلات نشر فقط در حوزه ادبیات است؟

46 مباحث طراحی جلد، شناسنامه کتاب، فهرست، صفحه عنوان

47 طراحی شناسنامه کتاب

مراحل گرفتن مجوز برای نویسندگانی که می خواهند بدون ناشر کتاب چاپ کنند

این امکان وجود دارد که شما به عنوان نویسنده بدون نیاز به ناشر کتاب خود را چاپ کنید. این کار باعث می شود که شما از گزند بسیاری از ناشرین دندان گرد و طمعکار، دور بمانید

مراحل این عمل شجاعانه به شرح زیر است

مرحله اول

گرفتن شابک از خانه کتاب

www.ketab.ir

مرحله دوم

گرفتن فیپا و شناسنامه کتاب از کتابخانه ملی

www.nlai.ir

گرفتن مجوز

اگر در شهرستان هستید، برای این مراحل باید به اداره ارشاد مراجعه کنید. اگر در تهران هستید، می توانید شخصا به ادارات گفته شده مراجعه کنید

داستانهای عاشقانه اخذ مجوز

هفت خان رستم

بین دلاور، اول کتاب باید بره با کتابخانه ملی، در اونجا بهش شماره شابک میدن و ثبت میشه... و

اول شاید بهت بگن که این کار یک هفته تا 10 روز بیشتر شما قلبتون پر از خوشحالی میشه نیست... اما اگر شد یک ماه... برادر عزیزم مبادا از کوره در بری و حرفی بزنی بهشون که برات دردرس درست کنند

اما این پایان ماجرا نیست دلاور... باید کتاب رو ببری اداره ارشاد که مجوز بهت بدهند... اونجا بستگی داره کتابت چی باشه برادر... و اونوقت با گوشت استخوانت معنی "آزادی بیان و عقیده" را می فهمی اگر خدای نکرده کتابت سیاسی یا تاریخی باشه.. ممکنه تا هفت ماه طول بکشه!! شاید بیشتر!! و ... بعد هم بگن: برو عمو جون پی کارت! ما به این کتاب مجوز نمیدیم!! این کتاب برای نظام مضر است حالا تو هی بگو حاجی رییس! من هشت ماه معطل موندم!! خودم برای این مملکت کلی کار کردم و....

محض رضای خدا

میبینی که هیچ تاثیری نداره! اداره ارشاده دلاور! نه برگ چغندر! اصلا تقصیر!! به من نگو بی وفا فلان سازمان امنیتی پدرتو در بیارن!! تا دیگه اینجا نیای پر رویی ماست که این کتابتو نفرستادیم تجاوز فرهنگی میکنی پدرسوخته؟

و شما هاج و واج به خودت بد میگی که: عجب غلطی کردم کتاب چاپ کردم!! من که منظوری نداشتم البته اگر پارتی داشته باشی یک ماجرای دیگست

خب اگه کتابت مثلا آشپزی باشه از این خبرها نیست

دلاور، ای کسی که هوس کردی پا به عرصه چاپ کتاب بذاری!! بدون و آگاه باش که ناشرین این مملکت، بر اساس گفته نویسندگان و منابع موثق خاک وطن، مشتی استعمارگرند!! ظالم و ستم پیشه

برادر! دلاور! اگر میگی من دروغ میگم، زنگ بزنی بهشون بگو چند درصد میدن، میگن 7 درصد!! آره عزیزم

به این میگن عدالت

دلاور باید اینو بدونی که یک نویسنده در ایران بیمه نداره وای یک کارگر بیمه داره!! و این یعنی خب دلاور الان مجوز گرفته شده و شما می خوای به ناشر شیطون بلا و!! ارزش برای قلم و اندیشه

....ناقلا و کلاهدردار پول بدی

دو راه وجود داره دلور

چاپ دیجیتال

این چاپ برای مستضعفین است! کیفیت پایین و سرعت بالا و تیراژ کم مثلا 200 عدد

چاپ افست

این چاپ برای مستکبرین است

....تیراژ بالا و کیفیت بالا و قیمت بیشتر و

حالا سوال این است

تیراژ کتاب چقدر باید باشد؟

باید ببینی واقعا کتابت چقدر مخاطب داره و خواهان داره

همه که استاد دانشگاه نیستن که بتونن یک مزخرفی به نام کتاب بدن چاپ کنند و بعد دانشجوهای بدبخت را وادرا کنند که از اون کتاب بخرند! و جالب توجه اینکه ترجمه کتابشونو بدن به دانشجوهایشون و بعد به نام خدشون توی بازار بدهند
یک ناشر یکبار به من گفت بسیاری از کتابهای دانشگاهی مال اون کسانی نیست که اسمشون پشت جلده!! ولی خب
اونها با همین کارها میشن عضو هیات علمی و...
بگذریم

بدون و آگاه باش که بعد از اینکه کتابت را تایپ کردی باید صفحه بندی بشه و فاصله خطها درست بشه تا آماده طبخ نهایی بشه

و خب اینها هزینه داره

در مور قرارداد با صنف ناشر باید بدونید که د و نوع قرار داد وجود دارد

قرارداد مستضعفین

در این نوع قرارداد ناشر میاد کتابو میبینه و بعد اگر دید خوبه خودش سرمایه گذاری میکنه و به شما هم 7 در صد میده

قرارداد سرمایه گذاری ار مولف

مولف میاد و سرمایه گذاری میکنه و...

نوشتن کتاب به صورت گروهی

حکایت

روزی از روزها داروغه ای نویسنده ای را احضار کرده، نویسنده به دادگاه رفته در آنجا عکاسی خشمگین دید

عکاسی باشی، عکسی از کتاب به وی نشان دادی و گفתי این عکس را من برای اولین بار گرفته ام و این عکس مال من است و ثبت شده است و حقوق معنوی آن از آن من داروغه حق به عکاس داد و رای بر منع پخش و فروش کتاب

هر آنچه نوسنده التماس کرد اثر نبخشید و قاضی فرمود: ای پدر سوخته! مالکیت معنوی سرقت می‌کنی باید تعهد بدهی! و خسارت بدهی! و چنین کنی و چنان کنی
 آنگاه که کتابی چاپ شود همه هزینه‌ها شود و ممنوع چاپ گردد، همانا جنون به نویسنده دست نمی‌دهد؟
 این حکایت از آن گفتم تا بدانی که مملکت آنقدرها خر تو خر نیست و مواظب اعمال خویش باشی

نصیحت

هرگز سعی کن در چاپ کتاب با کسی شریک نشوی و نویسندگی کتاب را خودت انجام بده

قدما گفته اند: اگر شریک خوب بود خدا برای خودش شریک می‌گرفت

ای برادر! اگر چنانچه خواستی چنین کنی دقیق مشخص کن که قسمتهای کتاب توسط که نوشته شده اند و فصلهای کتاب توسط چه کسی کار شده اند

اگر کتابی نبشتی مشتمل بر 500 صفحه با دیگری، و 300 تو نبشتی و 200 دیگری، و ناگهان کارتانه هم خورد پس از گرفتن مجوز مثلا به خاطر شرایط مالی... و اینکه حریف خواست زرنگی کند و... لعنه...
 ...الله علی قوم الظالمین جمیعا
 آنگاه اگر به اداره ارشاد روی از برای کسب تکلیف، تو را خواهند گفت

چون معلوم نیست و قابل اثبات نیست که این 300 صفحه را تو نوشتی، پس حق استفاده از آن را نداری

و اگر چنین کنی، و حریف از تو شکایت کند، به مجازات کیفری و جریمه محکوم می‌شوی، و مجازات ختنه به شکل سنتی در انظار عموم ملت ایران!! با ذغال داغ و تیغ سلمانی!! در میدان آزادی زیرا که کتاب در این حالت مثل ملک مشاع است

جلد کتاب

فرض کنید بر روی یک میز کتابفروشی، چندین دیوان حافظ وجود دارد و خریداری به آنها نگاه می کند، اگر خریدار قبلاً در مورد این دیوان هیچ گونه پیش فرضی نداشته باشد (منظور از پیش فرض در اینجا آن است که مثلاً کسی قبلاً سفارش یک دیوان حافظ خاص مثلاً از فلان نویسنده را نکرده باشد)، کتابی را اول نگاه خواهد کرد که طرح جلد زیباتری دارد. پس می بینید که طرح جلد تا چه حد می تواند در فروش کتاب موثر باشد

اما، اما امان از زمانی که طرح جلد خود را به دست یک ماداموزل طاووس نشان، که خود چون گنجشکک اشی مشی بزک کرده می دهید و ایشان نیز یک طرح جلد نازنین را به شما تحویل می دهند چونان که شما دچار اسهال و استفراغ می شوید (البته قدری از زشتی طرح و بیشتر هم از زشتی آرایش غلیظ آن مادمازل)

هنگامی معترض مادمازل می شوید ، او می فرماید:

واه واه، ببینید اصلیش اینه اگر کتاب شما محتوا داشته باشه انوقت فروش می کنه شما چی خیال کردید؟ وقتی اون همه استاد است که کسی کتاب شما را نمی خره! همین طرحی که من کشیدم از سرشم زیاده

در چنین مواردی، اول به خودتان لعنت بفرستید که چرا پیش چنین احمقی رفته اید

طرح جلد

ای عزیز

بدان و ، آگاه باش که برای طرح روی جلد، عموماً دو حالت کلی وجود دارد

اگر ناشر شما یک ناشر معتبر است و کتابت در زمره یک سری از کتابهای یک ناشر است در اون صورت طرح جلد نیز به صورت یک شکل برای یک سری کتابها خواهد بود

و حالت دیگر آن است که یک انتشاراتی مانند انتشارات "زبل خان" و یا انتشارات شنگول و منگول و یا حبه انگور و از این دست، آنگاه باید کاملاً آگاه باشی و بدانی که طرح جلد مناسب خیلی مهم است

چرا؟

ای برادر! آنگونه که خود نیک دانی، در این روزگاران دوشیزگان بی شوهر بالای 30 مدرک گرفته از دانشگاه آزاد و امثالهم، که به دنبال شوهر میگردند خود را بزک میکنند و عکسها در سایتها می نهند و در کمین شوهر هستند

کتاب شما، ازیرا که با یک نشر غیر معتبر چاپ شده نیز چنین است، پندار که در یک کتابفروشی بین آن همه ناشر معتبر و گردن کلفت، کتاب شما باید چگونه خود را نشان دهد؟ آیا غیر از این است که باید طرح جلد آن طوری باشد که دیگران را چون دوشیزه ای که خواستگار را خام میکند بر خود جذب کند؟

این نکته از آن گفتم تا بدانی و عمل کنی

دگر بار تاکید می کنم که ناشر در پیتی ماییه نکبت است و کاستی... حکایت

شبی به بهزاد تلفن کردی و به او گفتمی که برای طرح جلد، کتابی را از روی اینترنت انتخاب کردم، او گفت که با گرافیستی کار می کند که به اینترنت وصل نمی گردد از ترس ویروس! (جل الخالق) بوی گفتمی که ای بهزاد! شماره این گرافیست را بده
گفت:

نمی شود

گفتم ایمیل بده

گفت:

نمی شود

این از نتایج نکبت بار کار با ناشر در پیتی است

دیگر کارها برای فروش بهتر همانا ارتباط خوب با خوانندگان است، ایجاد وبلاگی و یا سایتی و برای پخش فروش بهتر، ارسال رایگان کتاب به کتابخانه ها و..... مفید است

بسیار خوب شما الان مجوز را گرفته اید و خوشحال هستید که را انجام داده اید و می خواهید هر چه زودتر کار چاپ را انجام بدهید. صفحه بندی و طرح جلد را نیز انجام داده اید. در مورد هر دوی اینها در قسمتهای قبلی توضیح داده ام

به جایی بروید که با دستگاههای زیراکس آخرین مدل که بسیار عالی نگهداری شده باشند پرینت رنگی روی مقوای 250 گرم به شما بدهند. از جلد پرینت بگیرید. سه پرینت در اینجا کافی است. البته در اصل یکی هم کافی است، سه تا برای اطمینان بیشتر است. مثل لاستیک زاپاس

چرا تاکید می کنید زیراکس؟! چون این دستگاهها کیفیت بسیار عالی در مقایسه در با سایر دستگاهها دارند، اگر شما بعدا بخواهید در شمارگان بالاتر کار کنید، آن نمونه که تهیه کرده اید می توانید به چاپخانه نشان بدهید و از او بخواهد عین همان را چاپ کنید، البته عین همان که غیر ممکن است، ولی می توان چیزی چاپ کرد که بسیار شبیه آن باشد

در اینجا صرفا نوع ماشین زیراکس مهم نیست، بلکه نگهداری و طرز استفاده صحیح نیز مهم دقت کنید که نباید در اینجا خساست به خرج دهید و هر چقدر لازم است هزینه کنید، این است، شروع کار شماست و باید دقیق باشد. به بهترین جا بروید

یک سلفون روی جلد بکشید، در مورد این که این کار کجا انجام دهید در همان جا که چاپ می کنید احتمالا شما را راهنمایی می کنند، در شهرهای مختلف جاهایی هست که این کار را بکنند

چرا این کار ضرورت دارد؟

چون آنچه که شما بعد از پرینت می بینید، در واقع آن نیست که در چاپ نهایی میبینید، جلدی که از پشت سلفون می بینید با جلد بدون سلفون فرق دارد. سلفون مات یک جلوه می دهد، سلفون براق جلوه ای دیگر، اگر شما یک طرح جلد تمیز و بی نقص می خواهید باید همه چیز را قبل از چاپ چک کنید

صحافی

اگر شما طرح جلد را خودتان طراحی کرده اید، و یا جایی که طرح جلد را طراحی کرده اند غیر از جایی است که صحافی انجام می شود شما وظیفه دارید که موقع صحافی در محل حضور داشته و روی کار صحافی نظارت کنید
دلیل آن این است که بعضی صحافی کارها آنقدر نادان هستند که نمی توانند تشخیص دهند کدام

قسمت جلد نباید برش بخورد! و یا زورشان می آید که وقت کافی بگذارند و خط تا روی عطف جلد را یک طرح جلد افتضاح واقعا می تواند در فروش کتاب تاثیر بدی بگذارد! درست تنظیم کنند

یک برش غلط و احمقانه، می تواند تمام کارهایی که شما کرده اید را بر باد دهد

یک نکته ای در مورد چاپ کتاب وجود دارد که شما باید به عنوان نویسنده به ذهن بسپارید

شما نویسنده کتاب هستید، اگر شما نویسنده ای هستید که شب و روز تحقیق کرده اید و زحمت کشیده اید، و انگیزه شما صرفا عشق به نوشتن بوده، و نه انگیزه های مادی، باید بدانید که بین شما و چاپخانه، بین شما و ناشر، بین شما و کتابفروش یک فرق بزرگ وجود دارد شما یک نویسنده هستید، با عشق و برای رضایت قلبی خود کار کرده اید، انگیزه اصلی شما پول نیست

آنها یک مشت بازاری هستند و به چک و پروردن اسکناس فکر می کنند، می خواهند بیشترین سود را ببرند

به همین خاطر، آنها آن وقت و انرژی که شما صرف کار خود کرده اید، برای کار شما نخواهند گذاشت، چون آنها می خواهند سود ببرند! و وقت بیشتر روی کار شما صرفه اقتصادی ندارد. آنها می خواهند فقط یک کاری را انجام بدهند که بگویند کاری انجام شد! حال اینکه طبق اصول بوده یا نبوده

راه حل چیست؟

از کار کردن با چاپخانه هایی که قیمت ارزانی پیشنهاد می دهند، اما حتی شعور حرف زدن و یا حتی یک سلام و احوالپرسی ساده هم ندارند، پرهیز کنید. سعی کنید با چاپخانه هایی کار کنید که برای انتشارت معتبر کار می کنند، چاپ کتاب، با چاپ کارت ویزیت آرایشگاه خانم آفتاب پرست که هر روز چون بوزینگان ادای هنرپیشه های ماهواره را در می آورد و خودش را به شکلهای گوناگون در می آورد که جلب توجه کند تا شاید عقده های روانی خویش را التیام بخشد و یا چاپ آگهی چلوکبابی اصغر قاچاقچی که بعد از مرگش به خاطر زندگی شرافتمندانه اش در منزل شب جمعه دعای کمیل برگزار می کند! و یا آگهی ترحیم ننه قمر خاله زنک که تمام عمرش را صرف فضولی زیادی و جاسوسی از خانه مردم کرده و به همراه شوهر به ظاهر مذهبی و یا روشنفکرش، آق گراز فضولباش منقل دوست شرابخور! مرتب به هر دختر و پسر بدبختی تهمت های ناروا زده، چون خودش در جوانی آدم کثیفی بوده و در مورد دیگران نیز همان فکرها را می کند، این حرفها را می زند بلکه در اجتماعات خاله زنی جلب توجه کند و دیگران به حرفش گوش دهند و ناگهان بک شبه همچین آدمی، مرحومه

مغفوره جنت مکان نیکوکار می شود که زمینه ازدواج دهها زوج جوان را فراهم کرده است و برایش یک آگهی ختمی چاپ می کنند و حرمی در پشت عکسش می گذارند، گویی که اکنون در بهترین مکان بهشت با دوستان خدا همنشین است

حضرت حافظ فرمایند

خور که شیخ و زاهد و مفتی و محتسب می
تزویر می کنند همه نیک بنگری چون

چاپ کتاب شما، با کارهای چاپی این گونه افراد فرق می کند
اگر با این افراد کار کردید، فردا که کار خراب تحویل گرفتید، به کجا می خواهید شکایت کنید؟ چقدر
امکان دارد به شما رسیدگی شود؟

این افراد کلاش باید با همان چاپخانه ها کار کنند و این چاپخانه ها هم برای همانها باید کار کنند.
شما باید به عنوان یک نویسنده، برای خود و کتابی که عمری برایش زحمت کشیده اید، ارزش قایل
شوید و کار به دست کسانی که لیاقت کار کردن با شما را دارند بدهید! این ارزش واقعی قلم و
نویسندگی است! این شما هستید که باید از شایسته کتابتان مراقبت و نگهداری کنید
پول اضافه ندهید، نرخ کاغذ و سایر اقلام را بدانید، سبک و سنگین کنید و بهترین را انتخاب کنید و به
خدای مهربان که در هر حال مراقب بندگان راستگوش هست توکل کنید
بعد از اینکه از همه لحاظ مطمئن شدید، اگر از بازار فروش کتاب خودتان مطمئن نیستید، راه حل این
هست که به تعداد بسیار کمی چاپ کنید. مثلا 100 و یا حتی کمتر

نکته ای که باید به خاطر داشته باشید این است که خود شما باید، به ویژه در مرحله برش و صحافی،
که تخصص خاصی هم ندارد، نظارت کنید. همچنین اگر قدری وقت بگذارید و در مورد چاپ اطلاعات
داشته باشید و بر روی کلیه مراحل نظارت کنید، بسیار بهتر است. از خرید کاغذ گرفته تا سایر موارد.
اما اگر تخصص کافی ندارید، جدا از دخالت بیمورد پرهیز کنید چون ممکن است کار را خراب کنید و
مسئولیت آن متوجه شخص شماست

قرارداد با ناشر

این سوال جوابها نقل قول است، اطلاعات مفیدی دارد

چند روش برای عقد قرارداد کتاب وجود داره؟

قراردادهای کتاب رو می شه به سه روش کلی تقسیم کرد: قرارداد مشارکتی، قرارداد درصدی، قرارداد واگذاری

قرارداد مشارکتی یعنی چی؟

یعنی که با نسبتی توافقی همراه با ناشر کتاب برای چاپ اون سرمایه گذاری کنین و بعد از چاپ تعدادی از تیراژ رو به عنوان سهم مشارکت و حل التالیف/الترجمه دریافت کنین. در این حالت معمولاً امتیاز کتاب در اختیار خودتون هست و می تونید برای تجدید چاپ اون هر اقدامی که دوست دارین انجام بدین

قرارداد درصدی یعنی چی؟

یعنی درصدی از تیراژ ضربدر قیمت پشت جلد در هر نوبت چاپ به عنوان حق الزحمه شما پرداخت میشه. مثلاً اگه یه کتاب 4000 تومانی با تیراژ 2000 نسخه چاپ شده باشه و قرارداد شما 10 درصد باشه، اونوقت حق الزحمه شما فقط برای اون نوبت چاپ میشه هشتصد هزار تومان

در قرارداد درصدی، معمولاً کتاب برای همیشه پیش ناشر می مونه ولی در صورتی که ایشون نسبت به چاپ کتابی که بازار به اون نیاز داره کوتاهی کنه، مولف می تونه طی یه نامه کتبی کتاب رو از انتشارات پس بگیره. از طرفی ناشر حق نداره بدون اجازه مولف کتاب رو به کس دیگه ای واگذار کنه

در بازار امروز مولف/مترجمهای تازه کار معمولاً با قرار داد 4 یا 5 درصد وارد بازار می شن و طی چند مرحله کتاب کار کردن با توجه به اعتباری که به دست میارن، این میزان رو افزایش می دهند

قرارداد واگذاری یعنی چی؟

یعنی با دریافت یک صدقه توافقی کتابتون رو برای همیشه به ناشر واگذار می کنین و هیچ حقی نسبت به چاپهای بعدی نخواهید داشت
ناشر های زیادی به همین شیوه سوپر میلیونر شدن

اگه نخواهیم کتابی رو با همکاری یه ناشر چاپ کنیم چه باید کرد؟
روشی هست که در اون شما می تونید خودتون کل پروسه دریافت مجوز برای چاپ یک کتاب رو پی گیری کنید. در صورتی که کتاب تایید شد، شما می تونید خودتون

سرمایه گذاری کرده و نسبت به چاپ کتاب اقدام کنید. در این حالت توی فیپا - فهرست نویسی پیش از انتشار - و شناسنامه کتاب، مولف/مترجمی که شما باشین به عنوان ناشر قید میشه نیازی به توضیح نیست که امتیاز کتاب در این حالت دست خودتون باقی می مونه و به جای حداکثر 10 درصد، اگه فروش خوبی داشته باشین می تونین تا 40 درصد از مبلغ پشت جلد ضربدر تیراژ رو به دست بیارین

چاپ یک کتاب به چقدر سرمایه گذاری نیاز داره؟
کاملاً بستگی داره به نرخ نون در اون روز. با توجه به نوسان قیمتها میزان سرمایه لازم برای چاپ یک کتاب متغیره
با توجه به قیمت کاغذ - که در هنگام نوشتن این مطلب - حدود 8000 تومان هست
چاپ یه کتاب 500 صفحه ای با قطع وزیری در تیراژ 2000 نسخه به حدود دو و نیم میلیون تومان سرمایه نیاز دارد

قطع های کتاب کدوم ها هستند؟

جیبی: انواع اندازه های عجیب و غریب و کوچک
پالتویی: مثل جیبی با این تفاوت که کتاب یه خورده کشیده تر میشه
رقعی: 21 در 16 سانتیمتر
وزیری: 25 در 16 سانتیمتر
خشتی: قطع های مربعی دلخواه - اندازه طول و عرض کتاب معمولاً نزدیک به هم هستند

رحلی: 25 در 32 سانتیمتر

سلطانی: 50 در 32 سانتیمتر

و بعضی قطع های خیلی بزرگتر هم هست که زیاد مرسوم نیست ... مثل یه چیزایی توی مایه های دفاتر طلاق و ازدواج

یک کتاب خوب در زمینه کامپیوتر معمولا چند صفحه باید باشه؟

یک کتاب خوب در زمینه کامپیوتر معمولا باید یک کتاب خوب باشه تعداد صفحات اصلا مهم نیست

یک کتاب خوب 100 صفحه ای می تونه هر سه ماه یه بار تجدید چاپ بشه اونم در تیراژ 5000 نسخه

اما یک کتاب بد 1500 صفحه ای می تونه چند سال روی چاپ اول باقی بمونه و بعد سر از کارخانه کارتون سازی دربیاره و خمیر بشه همینطور بر عکس و حجم اصلا مهم نیست

پروسه تولید یک کتاب شامل چه قسمتهایی هست ؟

ترجمه/تالیف، تایپ و حروفچینی، بازخوانی اول، غلط گیری و صفحه آرایی، بازخوانی دوم، ویرایش فنی، ویرایش ادبی، بررسی پرینت نهایی، صدور مجوز پیش از انتشار،

لیتوگرافی، چاپ متن، چاپ جلد، صحافی، ترخیص از چاپخانه و ورود به جنگلی به نام بازار کتاب ایران

نکات قرارداد با ناشر

متاسفانه با آگاهیهایی که بنده، از برخی منابع آگاه، که نمی توانم اسم آنها در اینجا بیاورم، از پرونده ها و مسایل حقوقی ناشرین دارم، باید شما آگاه باشید که قرار داد، سعی کنید حتی با کمترین سود، مثلا پنج در صد قیمت پشت جلد، طوری نوشته شود که سرمایه گذار ناشر باشد، چون در این حالت ناشر پای پول خودش وسط است و برای پول خودش دلش می سوزد. اما اگر شما سرمایه گذار باشید، امکان کلاه رفتن سر شما، مخصوصا اگر یک نویسنده تازه کار باشید، بسیار زیاد است این را جدا می گویم

اگر شما یک نویسنده تازه کار هستید، و کتابی را چاپ کرده اید که از فروش آن مطمئن نیستید. به تعداد کم، مثلا 100 چاپ کرده، به شاگردان، دوستان، خویشان و غیره بدهید. و خود را از شر درد سر

پخش و ... راحت کنید

اگر قرار شد شما سرمایه گذار باشید، سعی کنید اطلاعات خود را در مورد چاپ بالا ببرید. انداختن یک کاغذ چینی به جای یک کاغذ اندونزی، بسیار ساده است، آنها به راحتی می توانند با همدستی چاپخانه، به شما فاکتور کاغذ اعلا و با کیفیت اندونزی را بدهند و یک کاغذ دیگر به جایش بگذارند. گمان می کنم همین یک مثال، این مساله را روشن می کند که چرا می گویم نویسندگان تازه کار، در تیراژ محدود چاپ کنند

کلیه مسایل، از قبیل در صد قیمت پشت جلد برای پخش، میزان پرداختی برای گرفتن فیپا و مجوز، و... باید دقیقا مشخص باشد. برای مثال به هیچ عنوان شما نباید به ناشر مبلغی بالاتر از 40 تومان برای مجوز و فیپا بدهید. آنها هیچ هزینه ای به ارشاد پرداخت نمی کنند

از کار کردن با ناشرینی که با زبان بازی، و استفاده از این جملات

به جون بچه ام قیمتش اینه
 !به این نمازی که می خون
 به این قبله

همه ناشرهای دیگه دزدن، می تونی بری باهاشون قرارداد ببندی، ولی سرت کلاه میره، ای وای! اینو که ازت خیلی گرون گرفتن، اون ناشر و میگیا؟! اون که ور شکسته است! اونم پولتو نمیده فقط ماییم که درست هستیم

احتمالا چند داستان هم برای تان سر هم می کند که خود رو خیلی دوستدار مولف نشان دهد و ناشران دیگر را دزد و غارتگر
 مارو با ناشرهای دیگه اشتبه نگیریا! ما فلان هستیم! من آنم که رستم بود پهلوان

من کتاب فصل دادم! شما که حالا یک نویسنده تاه کاری

اصلا لوگو خودمم حتی اگر سرمایه گذاری کنی نمی دارم! لوگو ناشر همکارو می دارم
 پرهیز کنید،

و به یاد داشته باشید
قبل از اینکه نویسنده، محتاج اعتبار لوگوی یک ناشر باشد،

این ناشرین هستند که برای وجودشان، به نویسندگان نیاز دارند

و نکته دیگر اینکه، یک کتاب، فروشش را در وهله اول مدیون محتوایش می داند، تا لوگوی ناشر
نه فلان ناشر و فلان مدیر و فلان... پس به خود او توکل کنید و روزی همه ما را خداوند می دهد،
بر پای خود بایستید اگر بخواهد و روزی شما کند که با این کتاب، به چیزی برسید، می رسید، حتی
اگر همه نخواهند، اما اگر او نخواهد، نمی رسید

یا رب تو چنان کن که پریشان نشوم
محتاج به بیگانه خویشان نشوم
بی منت خلق مرا روزی دهتا از در تو بر در ایشان نروم

پخش و شبکه توزیع

بدان و آگاه باش ای برادر دلیر که اگر خود روی به ارشاد و مجوز گیری و کتاب ثبت کنی و به
است پخش کتاب چاپخانه دهی، باز هم مساله عمده ،

حکایت

روزی روزگاری ، شخصی بود مقاله نویس، در یکی از مجلات معتبر ، یک لغتنامه تهیه کرد و خودش
دنبال مجوز دوید و کتاب را با تیراژ چاپ کرد ولی نتوانست پخش کند
در نتیجه قطار قطار جلوی چشمش ماند از اینگونه نویسندگان بسیاریند

پخش کتاب مساله مهمی است پس باید با ناشری قرارداد بست که بتواند خوب پخش کند

با چه ناشری قرارداد ببندم؟

حکایت

روزی روزگاری شخصی از روی اینترنت و در سایت ایستگاه ناشری را پیدا کرد، با شخصی به نام بهزاد که رییس آن انتشارات بود، قرارداد بست

چنین است و چنان است و در چین و "انتشارات ما" بهزاد از خود تعریف بسیار کردی و مرتب گفتی... ما چین مطرح است و نرخهایش از همه جا ارزانتر است و اما جالب آن بود که در این به اصطلاح انتشارات، هیچ کس کار نمی کرد جز همان برادر بهزاد! ولی او مرتب می گفت:

از نظر فارسی، ما معمولا برای بیش از یک نفر به کار میرویم. بهزاد جان، خود را استا! انتشارات ما دانشگاه معرفی میکرد و میگفت صبح ها کار دارد و نمی تواند جواب تلفن بدهد! (عجب انتشارات معتبری!) و اینها بعد از عقد قرارداد معلوم شد که این موجود بی وجود، چه جانور موذی بود

می خواست پول بگیرد، یک مشت کارهای مثل گرفتن مجوز انجام دهد، و بعد پخش را گردن نویسنده بدبخت بیندازد! بروید چند استاد دانشگاه پیدا کنید تا برای کتاب شما مشتری پیدا شود! تا آن موقع کتاب شما در انباری است

به هر حال

ناشر معتبری که در صد کمتر دهد، به از ناشر غیر معتبری که کتاب ای دوست بدان و آگاه باش که راهی انبار کند و اما بعد

اندر حکایت چاپ: بدان و آگاه باش که ناشرین نرخی که میدهند برای چاپ، از نرخ اصلیش گرانتر است بسی بسیار! و حال اینکه بتوانی ناشری را گیر باوری که حاضر شود چاپ در چاپخانه که تو بشناسی انجام شود و نرخ چاپ کمتر آید... که این البته از تصورات است و اینکه ممکن شود به دست خدا و همت توست

اینها که همه نبشتم، رنجامه یک نویسنده و ما حصل کلاه هایی که سرش رفته!!!

در هر حال، در قضیه انتخاب ناشر، اگر ناشر معتبر باشد، بعدها خودت استفاده خواهی کرد. اگر کتاب توسط انتشارات دانشگاه شریف منتشر گردد، شما روی همین می توانید تبلیغ کنید، اما انتشارات "سکینه خانم کتاب چاپ کن" و همسر و یا انتشارات حسنک کجایی و یا انتشارات جیک جیک خانم

شیطون بلا و قد قد خانم نا قلا و یا انتشارات بزیز قندی.... و ز این جور انتشارات ، بدان و آگاه باش اگر کتاب به دست اینان دادی و اینان بعد در صفحه بندی کتاب ماندند و گفتند: اوا خاک عالم! این کتاب تخصصی است خودوتن بیایید انتشارات درستش کنید صفحه آرایی را و اگر تو مثلا در جواب بگویی: خب شما که نمی تونستید می خواستید کار را قبول نکنید آن منشی شیرین ادا، و آن ابلیس ننه گدا و آم منشی هفت رنگ آرایش کرده به سبک گودزیلا، که جلوی خودت چیزی میگوید و پشت سرت چیزی دیگر، گوید: باشه مشکلی نیست خودمون درستش میکنیم! و البته در ته دل گوید: چنان کتابی برات چاپ کنم که وقتی کتاب چاپ شد خواهی دید که فونتهای که خواستی این نیست و اصلا کتاب در هم و بر هم است پول را هم که قبلا داده ای و هشدار! اگر سرمایه گذاری از خودت است به صورت سه مرحله ای پول بده، یعنی یک قسط قبل از چاپ و بقیه بعد از چاپ

نویسندگان شهرهای به غیر از تهران

عمده مراکز قوی پخش کتاب در ایران، در تهران هستند. بهترین ناشرین ایران نیز، در تهران هستند. حيله گرترين آنها نیز در تهران هستند

یک نکته ای که شما به عنوان یک نویسنده باید متوجه آن باشید، این است بعضی ناشران، اشخاص فرهنگی که شما فکر می کنید نیستند. من خودم شخصا ناشر شهرستانی را می شناسم که از قالتاقترين افراد است. ایشان همچنين موفق شده در برخی جشنواره ها و نمایشگاهها جایزه ببرد مساله در مورد دوستان که ساکن تهران نیستند، به این صورت است که اگر این افراد خدای نکرده با ناشر حيله گری برخورد کنند، پیگیری مساله برایشان دشوار است. متاسفانه برخورد ارشاد با اینگونه ناشران جدی نیست. و شما باید هزینه و وقت زیادی صرف کنید. اگر هم کار به دادگاه بکشد، گرفتن وکیل و..... وقت گیر و هزینه بر است

پس چاره چیست؟

هرگز قسمت اعظمی از کتاب را برای ارزیابی به ناشر ندهید، چون ممکن است در صورت عدم توافق، به نام شخص دیگری از آن استفاده کند سعی کنید در مورد سابقه ناشر و مدیر انتشارات تحقیق کنید و از نظر سایر نویسندگان استفاده کنید موارد قرارداد را به دقت رعایت کنید

تجربیات دیگر نویسندگان

شب‌نم: با توجه به شرایط چاپ و نشر در ایران آیا برای انتشار اولین کتاب خود با مشکلی مواجه نشدید؟

یکی از دوستان که اینجا بود و تازه یک موسسه انتشاراتی هم به راه انداخته بود به من پیشنهاد داد که با سرمایه خودم کتاب را منتشر کنم تا کار سریع تر و بهتر انجام شود و من اولین کتابم را با نسخه چاپ کردم. اما متأسفانه این آقا که پخش کتاب را هم به 5000 هزینه بسیار زیادی به تیراژ عهده داشت، پس از پخش 700 نسخه از کتاب به آمریکا رفت و حتی بقیه کتاب‌ها را هم به من نداد. من به موسسه مراجعه کردم و حتی با خود این آقا در آمریکا هم صحبت کردم اما جواب قانع کننده ای نشنیدم و کار به جایی رسید که من می‌خواستم وکیل بگیرم چراکه وقتی اولین کتاب شما با چنین مشکلی مواجه می‌شود ممکن است شما به لحاظ روحی صدمه ببینید. در نهایت 1000 نسخه از این کتاب را به من برگرداندند و مبلغ بسیار ناچیزی از فروش 700 نسخه اولیه به من دادند که هزینه حمل کتاب‌ها به خانه شد

هلیا: با 1000 نسخه ای که به شما برگردانده شد چه کار کردید؟

همانطور که می‌دانید نگهداری از کتاب کار مشکلی است. ممکن است کاغذ زرد شود. می‌خواهم کتاب‌ها را در خیریه ای که برای بچه های معلول ذهنی آسایشگاه امام علی برپا می‌شود به فروش برسانم و پول آن را هم به همان جا بدهم

هلیا: با توجه به اینکه اولین کتاب شما بود و از استقبال خوانندگان هم مطمئن نبودید چطور ریسک کردید و 5 هزار نسخه چاپ کردید؟

من تجربه ای در این زمینه نداشتم و ناشر هم چیزی به من نگفت چراکه برای ناشر مقرون به صرفه تر است که در تیراژ بالا کتاب‌ها را چاپ کند چون برای چاپ مجدد باید پول زینک و فیلم و... را دوباره بپردازد. بعدها من متوجه شدم که برخی ناشران تیراژ چاپ اول را بالا می‌برند و بعد تعدادی از کتاب‌های چاپ شده را نگه می‌دارند برای زمانی که کتاب به چاپ دوم و سوم رسید

شب‌نم: مگر نحوه پخش کتاب به این صورت نیست که برای همه استان‌ها و شهرستان‌ها می‌فرستند؟ چرا اتفاقاً حرف من به ناشر هم همین بود که اگر برای هر شهرستانی 100 عدد کتاب هم فرستاده شده باشد نباید کتابی می‌ماند

شب‌نم: خب با تجربه بدی که از انتشار اولین کتاب به داشتید چطور شد دوباره به فکر نوشتن و انتشار کتاب بیفتید؟

دوستان من که این کتاب را خوانده بودند خیلی استقبال کردند و من را تشویق کردند که مجدداً به نوشتن کتاب مشغول شوم. لطمه روحی که به من وارد شده بود با تشویق دوستان تا حدودی التیام پیدا کرد. از نظر مالی هم هیچ وقت به ضرر مالی فکر نکردم چون من برای دل خودم می‌نویسم و حرفه من نویسندگی نیست که بخواهم از این طریق درآمدی کسب کنم. البته برای نوشتن هم تمام این اتفاقات به نگارش کتابی به نام «به رنگ شفق» منجر شد. دلتنگ بودم

شب‌نم: آیا برای انتشار این کتاب باز هم به مشکل برخورد کردید؟
 برای انتشار کتاب دوم به سراغ یک موسسه انتشاراتی معروف رفتم . یک سوم سرمایه را هم خودم
 تقبل کردم و به تیراژ 5000 نسخه چاپ شد . اما به گفته ناشر کتاب با استقبال مواجه نشده بود . تا
 اینکه یک روز من به یک کتاب فروشی سر زدم و در مورد فروش کتاب «به رنگ شفق» سوال کردم
 که فروشنده گفت : کتاب خوب فروش می رود . چند وقت بعد هم در یک کتب فروشی بزرگ این
 کتاب را با تغییراتی در رنگ روی جلد دیدم که نشان می داد کتاب کتاب مجدداً به چاپ رسیده بود!

شب‌نم: با توجه به موضوع خاص کتاب استقبال از آن چطور بود ؟
 من این کتاب را در نشر درسا منتشر کردم که بسیار هم معتبر است . من 10 روز بعد از انتشار کتاب
 که به موسسه سر زدم ، پسر ناشر که کار پخش کتاب را به عهده داشت وقتی من را دید گفت: «من
 به شما تبریک می گم چون در ده روز اول پخش 600 نسخه فروش داشتید.» اما بعدها که من پیگیر
 این قضیه شدم جواب مورد انتظارم را نشنیدم و بهانه این بود که قیمت کتاب بالا رفته است

کلاهبرداریهای ناشرین و مقابله با آنها

فرض کنید ناشری از اعتماد نویسنده، سو استفاده کند و کتاب او را بدون اجازه چاپ کند و بدون
 پرداخت سود، این کتاب را پخش کند

بسیار پیش می آید ، مولفی با ناشری قرارداد می بندد و متن کامل را دار اختیار ناشر می گذارد، بعد
 می فهمد ناشر در قرارداد کلک زده است. قرارداد را فسخ می کند. اما ناشر، کتابهای او را بدون اجازه
 مولف چاپ می کند

نویسنده در اینجا چه کاری باید انجام دهد؟

به چند کتابفروشی بروید، و تعداد کمی کتاب بخرید، مثلا 3 عدد. ارز سه کتابفروشی مختلف از کتابفروشیها فاکتور را بخواهید، فاکتور را سعی کنید کاملا دقیق باشد، شامل تاریخ و اسم دقیق کتاب و ناشر و نویسنده و هر اطلاعات دیگری که فکر می کنید در یک دعوی حقوق لازم است، البته فروشنده را کلافه نکنید

از این فاکتورها کپی تهیه کنید، آنها مدارک جرم هستند

به اداره ارشاد در بهارستان تهران بروید، اداره کتاب، قسمت حل اختلاف، قرارداد و مدارک نشان دهید

بقیه مراحل اداری انجام می شود

این مساله در دادگاهها هم قابل پیگیری است، ولی شما سعی کنید اول کارشناسی اداره حقوقی ارشاد را داشته باشید، وبعد در دادگاه اقدام کنید. با توجه به شناخت روندی که من از دادگاهها می شناسم، به لحاظ مسایل اداری و دوندگی و... توصیه می کنم ناشر را پس از یک گوشمالی، دریافت خسارت، در همان اداره ارشاد به حال خودش رها کنید. این بسته به صلاح دید خود شماست که اقدام چه باشد. اگر لازم شد می توانید به عنوان خیانت در امانت شکایت کنید

خب حالا ولی من می خواهم با یک ناشر خوب قرارداد ببندم، و کتاب را چاپ کنم، ولی این پرسش کتاب قبلی در بازار است روند رسیدگی به شکایتم هم طول می کشد، چه کار کنم؟

تغییر در طرح جلد: اگر می توانید طرح جلد را تغییر دهید

تغییر در متن کتاب: اگر می توانید، مثلا یک فصل به کتاب اضافه کنید، توجه کنید که در این حالت باید مجددا کتاب برای مجوز به ارشاد برود

تغییر در فونتها: به نحوی کاملا مشخص باشد، مثلا تغییر فونت سربرها

تغییر در شکلها: مثلا یک لوگوی جدید به سربگ اضافه کنید، یا شکلها را تغییر دهید

شما باید بسیار سریع، اقدام کنید، هر گونه اتلاف وقت، به معنای فروش کتاب توسط ناشر متقلب

خواهد بود

در این موارد، از سر و کله زدن با ناشرین به ظاهر معتبر، که پز لوگوی خود را نویسندگان می دهد و البته شما اقدامات حقوقی را انجام میدهید، ولی به .مرتب کار را عقب می اندازند، جدا پرهیز کنید احتمال یک در صد هم که باشد، اگر نشد چه؟

درآمد نویسندگی

نیازی نداریم که دلایلی پیچیده برای عقب ماندگی خود بیابیم. بسیاری از علت‌ها آنقدر واضح و روشن است که از فرط وضوح گاه مغفول می‌ماند. کافی است به برخی تفاوت‌ها با دقت بنگریم تا ابعاد قضیه روشن شود

تا حالا فکر کرده‌ایم چرا در ایران يك فوتبالیست در پایین‌ترین سطح، از يك نویسنده در عالی‌ترین درجه، هزار برابر بیشتر دستمزد می‌گیرد؟ دقت کنید که این هزار برابر اصلاً اغراق نیست و عین واقعیت است و بعد توضیح خواهیم داد

نویسنده‌ای را می‌شناسم که کتابی با عنوان «اقتصاد کوچک»^{*} منتشر کرده است، این کتاب گزارشی است از 200 سال وضعیت پول ملی، هزینه‌های زندگی و دستمزدها از ابتدای درگذشت کریم‌خان زند و روی کار آمدن قاجار تا پایان حکومت پهلوی

یعنی نویسنده (مجید پورشافعی) از 1157 تا 1357 خورشیدی را مورد بررسی قرار داده و نرخ اجناس و کالاهای مصرفی خانوار ایرانی در طول این دوران بلند را ریز به ریز از منابع گوناگون تاریخی بیرون کشیده و يك به يك را توضیح داده که روایتی است مستند از سفره و سرای ساده دهقانان، کارگران، کارمندان، پیشه‌وران و نه سطح زندگی شاهزادگان، وزیران، دولتمردان و صاحبان ثروت

برای درک مشقتی که این محقق و نویسنده دچار شده تا گزارش متقن، دقیق، کامل و جامع از وضعیت زندگی مردمان عادی در کوچه‌پس‌کوچه‌های این آب و خاک در این دوران 200 ساله ارائه کند، کافی است بدانیم که بیش از 189 کتاب مهم، زندگی‌نامه و سفرنامه تاریخی مورد بررسی و جست‌وجو واقع شده و 13 روزنامه و نشریه از سال 1304 به این سو ورق به ورق مورد مطالعه قرار گرفته و ده‌ها حکم استخدامی دولتی بررسی شده تا نکته‌ای از قلم نیفتد

نتیجه این تلاش و جست‌وجوی علمی و تاریخی که بیش از سه سال طول کشیده کتابی است با حجم 306 صفحه که می‌توان در آن مثلاً قیمت يك خروار گندم، جو، عدس، لوبیا، ذرت و برنج یا قیمت انگور، خربزه، هندوانه، زردآلو، بادام، گردو یا سبزیجات، لبنیات، گوشت، زمین، خانه و مصالح ساختمانی و قدرت برابری پول ملی ایران با ارزهای خارجی مثل لیره و استرلینگ یا دستمزد کارگر از ابتدای دوران قاجار تا پایان دوران پهلوی را یافت و به دلایل تاریخی بالا یا پایین رفتن قیمت‌ها دقت کرد

نویسنده برای یافتن این الماس‌های گران‌بها در تاریک‌خانه تاریخ زحمات زیادی متقبل شده و به گفته خودش تنها برای یافتن قیمت‌ها از سال 1304 به این سو ماه‌ها در آرشیو کتابخانه آستان قدس رضوی تمام صفحات روزنامه‌های اطلاعات و کیهان را از ابتدای انتشار صفحه به صفحه نگاه کرده و از این

بابت و به جهت گرد و غبار ناشی از کهنگی روزنامه‌ها دچار مشکل سینه و ریه شده و چند هفته را به درمان خود سپری کرده است.

نکته دردناک ماجرا این است که نویسنده محترم برای این اثر ارزشمند تنها حدود 350 هزار تومان حق‌التالیف گرفته است
صفحه برای 306 سه سال تحقیق و تالیف و دو سال اصلاح و انتظار برای چاپ و نشر کتابی با حجم دریافت دستمزد 350 هزار تومان به کدام محقق، نویسنده، پژوهشگر و علاقه‌مندی انگیزه فعالیت می‌دهد؟

در حالی که یک نویسنده برای تالیف یک کتاب 350 هزار تومان دستمزد دریافت می‌کند براساس آمار رسمی فدراسیون فوتبال آقای مجتبی جباری بازیکن مصدوم استقلال برای یک فصل بازی سیصد و پنجاه میلیون تومان دستمزد می‌گیرد؛ یعنی هزار برابر یک محقق و نویسنده
یا آقای هوار ملامحمد برای یک فصل بازی در پرسپولیس 450 میلیون تومان قرارداد بسته است، همچنین گفته می‌شود امیر قلعه‌نویی در صورت قهرمانی سپاهان 650 میلیون تومان دریافت خواهد کرد. (نشریه پنجره)

آیا فکر کرده‌ایم ادامه این وضعیت چه تاثیری بر علم، دانش، فرهنگ و اندیشه ایران خواهد گذاشت و چه بلوایی ناشی از تزریق گسترده پول بر مستطیل سبز به وجود خواهد آورد؟ آیا فسادهایی که از چنین پدیده‌ای بروز می‌یابد، و یافته، ما را بر آن نمی‌دارد که اندکی در این فرایند تجدیدنظر کنیم؟

وقتی نویسنده‌ای بعد از چند سال زحمت، سختی و کوشش با هزار زحمت و عبور از هفت‌خوان موقعیت‌های خطر فقط 350 هزار تومان بابت 10 درصد پشت جلد دریافت می‌کند باید هم انتظار داشت وضعیت علم، پژوهش، فرهنگ، مطالعه، تولید فکر و اندیشه اینقدر در جامعه افت کند؛ اصلاً طرف مطالعه کند که چه چیزی به دست بیاورد، سال‌ها وقت خود را صرف پژوهش کند که آخر الامر برای رتق و فتق زندگی عادی خودش دچار مشکل شود؟

بدیهی است که انحرافی در تخصیص منابع صورت گرفته است و سیاست‌گذاران ما اشتباه کرده‌اند؛ اشتباهی مهلك، که اگر نه امروز، قطعاً فردا صدای انفجار جهل مدرن (افکار مدرن و ماشینی غربی بدون پشتوانه فکری برای تشخیص درست و غلط) را خواهند شنید
این مقوله معوج ارتباطی به این دولت و آن دولت هم ندارد. دیرزمانی است که شومن‌ها با طراری و ترفند خود را به مثابه مراجع کامل اجتماعی عرضه کرده‌اند و میدان‌دار شده‌اند

شاید گفته شود در همه دنیا چنین است و فوتبالیست‌ها پول‌های کلان می‌گیرند. اما باید به این

نکته توجه شود که در کشورهایی که فوتبالیت ها دستمزدهای کلان می گیرند ، پولی که آنها داده می شود ، از محل درآمد باشگاه های بخش خصوصی است اما ریال به ریال پولی که در فوتبال ایران هزینه می شود متعلق به بیت المال و آحاد جامعه است زیرا اکثر قریب به اتفاق، یا به تعبیری، همه باشگاه های ایرانی به بودجه شرکت های دولتی یا شبه دولتی وابسته اند که از بودجه عمومی ارتزاق می کنند

وانگهی اگر قرار است در پول دادن به فوتبالیست ها مانند خارجی ها عمل کنیم ، چرا در سایر امور مانند تخصیص منابع به پژوهشگران و نویسندگان مانند آنها عمل نمی کنیم؟

چه اشکالی دارد که شرکت های دولتی همان قدر که پز باشگاه فوتبال خود را می دهند و برای آن هزینه می کنند به « باشگاه دانش، خرد و هنر» خود نیز توجه کنند و بخشی از اعتبارات کلان خود را به سمت دانشمندان و پژوهشگران سوق دهند؟

ای کاش برای مدیران ما سقوط سهمناک تیراژ کتاب ، کم اهمیت تر از سقوط يك تیم در جدول لیگ برتر نبود

راستی مدیران ما چقدر کتاب می خوانند و چقدر فوتبال نگاه می کنند؟

نکات مفید برای کسانی که خودشان کتاب چاپ می کنند

یک برش و یا در موقع چاپ، و مخصوصا موقع برش، سعی کنید در چاپخانه حضور داشته باشید صحافی احمقانه، می تواند به طرح جلد شما آسیب جدی بزند. و بعد هم دیگر کاری از شما ساخته

نیست. آنها حتی ممکن است جلدهای خراب را هم که در چاپ خراب شده اند را به شما غالب کنند. ترفند به این صورت است که آنها کتابهایی که جلدهای خراب است را بین کتابهایی که جلدشان درست است قرار داده و بسته بندی می کنند. این حضور خود شخص شماست که می تواند جلوی این کارها را بگیرد. نباید به هیچ عنوان اطمینان کنید توجه کنید که شما یک نویسنده و یک شخصیت فرهنگی هستید. اما رفتار شما در برخورد با ناشرین، و یا چاپخانه نباید طوری باشد که آنها فکر کنند با یک آدم دست و پا چلفتی طرفند! شما یک نویسنده هستید که با عشق کار می کنید و آنها یک مشت بازاری! شما چه می دانید؟! شاید آن چاپخانه به ظاهر متخصص از قماش همان حاجی بازاری های پست فطرت باشد که حج هم رفته است و از دهانش هر چه می آید می گوید و کارش برانداز کردن زن و دختر مردم است و 30 سال پیش با تصاحب امکلاک یک عده دکانی به زده و یک شبه به نان و آبی رسیده است و با پولهای حرام ای وای و صد... مظلومان سفره امام حسین می دهد و... صد البته چندین سیخه دارد و حرمسرای و افسوس، گویی نسل آنها که در مغازشان قبر می کنند و موقعی که می خواستند یک طاقه پارچه !! بفروشند، به داخل آن می رفتند و بر خود نهیب می زدند که آخر کار این می شود، مواظب باش بعد از چاپ کتاب، باید به این نکته توجه کنید که پخش کتاب شما، چون شما به صورت ناشر - 2 مولف کتاب را چاپ کرده اید، آسان نیست.

من جدا هشدار می دهم که به حرف چاپخانه ها، و یا برخی دوستان و اعضای خانواده که هیچ سر رشته ای در چاپ کتاب ندارند گوش نکنید که کتاب را با تیراژ بالا چاپ کنید

اینکه می گویم فروش این کتابها آسان نیست، دلیلش این است فرض کنید شما یک کتاب فروش هستید، می خواهید کتاب را از مرکز پخش بخرید، کتاب نه توسط نویسنده مشهوری چاپ شده (چون این کتاب اول شماست) و نه ناشر قوی پشتش است. پس تعداد کمی خواهد خرید. البته بعدا ممکن است بیشتر بشود. این بستگی به کتاب شما دارد. ولی برای شروع، شما باید مثلا 50 جلد را به یک مرکز پخش بدهید سعی کنید فقط با یک مرکز پخش کار کنید. تعداد بیشتر باعث خراب شدن بازار کتاب می شود مثل یک جنس دو نرخی

مرکز پخش، کتابها را به تعداد 50 جلد از شما خواهد گرفت. پس شما باید جایی را هم برای نگهداری بقیه کتابها در جای امن در نظر بگیرید. این مساله به ویژه برای آنهایی که به تعداد بالا کتاب چاپ می کنند وجود دارد

یکی از ترفندهای چاپخانه ها برای چاپ بیشتر کتاب، آن است که به شما می گویند

بین، خب در این شهر 40 مغازه کتابفروشی است، تو به هر کدام از آنها 20 جلد بدهی، فروش می رود، نمی رود؟

این حرف به دلایل زیر غلط است
 اولاً در هر شهر، یا لاقلاً شهرهای بزرگ که عمده فروش کتاب در آنهاست، برخی کتابفروشیها حالت تخصصی دارند. مثلاً برخی کتابفروشیها صرفاً کتاب تست می فروشند. برخی دیگر در زمینه کتب دانشگاهی و اصلاً کتابهای درسی ندارند. برخی دیگر کتابهای پزشکی، برخی هنری، برخی مذهبی اگر فرضاً کتاب شما در زمینه مذهبی باشد، مرکز اصلی فروش آن کتاب در شهر شما کتابفروشی است که در زمینه مذهب کتاب می فروشد. اگر شما 5 جلد از کتابتان در آن کتابفروشی در عرض یکماه فروش رود، یقین بدانید در یک کتابفروشی که در یک کوچه فرعی قرار دارد و کار اصلیش فروش کتب درسی است، ممکن است حتی یک جلد هم فروش نکند. ممکن است از بین این 40 کتابفروشی، فقط 2 یا 3 کتابفروشی وجود داشته باشد که شانس اصلی فروش کتاب شما در آنجا هست. و حتی ممکن است برخی از اینها چون شما نمی شناسند کتاب شما را برای فروش قبول نکنند در عمل، بردن مثلاً 2000 جلد به کتابفروشیهای مختلف توسط شما، کار بسیار دشواری است. در صورتی که پخش 100 جلد توسط شما، کار سختی نیست! ضمن اینکه تعدادی را هم باید برای خودتان نگه دارید و بعضی هم که به دوستانتان می دهید و فریب چاپخانه ها و ناشرین را نخورید و برای اولین بار تعداد کمی چاپ کنید

حرفهای دهن پرکنی مثل دقت کنید! برای انتخاب، چاپخانه حتماً نمونه کار قبلیشو ببینید

ما برای دانشگاه کتاب زدیم
 ما با فلان جا و فلان ارگان چاپ کردیم
 این کتاب که می بینید برای فلان دکتر بوده که الان در خارج از کشور داره کنفرانس میده

اینها آقا جان نمونه کار همیشه

طرح جلدتون را بدهید به صورت رنگی براتون بزنند، و همینطور متن اگر مخصوصاً با چاپ دیجیتال است. چند جا برید و مقایسه کنید اونوقت دستگاہهای آنها خوبه یا نه

یک روش تست برای کیفیت صحافی وجود دارد

یک سنجاق در دست بگیرید، و از بالا، از قسمت ضخامت به پشت جلد فرو کنید، اگر رفت، معلوم
میشه کیفیت ندارد
صحافی چسب گرم برای کاغذ تحریر و صحافی چسب سرد برای گلاسه مناسب است

فریب چاپخانه و یا ناشر در مورد شمارگان را نخورید
این شما هستید که باید تعیین کنید تیراژ کتاب چقدر باید باشد، جملاتی مانند

کتاب شما فروش میکند نگران نباشید
ارشاد اجازه چاپ زیر 1000 جلد نمی دهد
و.....

اگر فردا کتاب روی دست شما بماند، آنها پولشان را گرفته اند و به ریش شما می خندند

سعی کنید با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنید و به نظرات آنها واقعا اهمیت بدهید! ایجاد وبلاگ،
پاسخگویی به پرسشها و شرکت در نمایشگاهها و گفتگوی رو در رو در کنفرانس، نمایشگاه و یا ...

مباحث فنی چاپ

جلد کتاب که در واقع کار پوشش و حفاظت صفحات کتاب را به عهده دارد، یکی از ارکان کتاب سازی
است. طراحان و صحافان کتاب همیشه کوشش کرده اند تا طرحهای زیبایی برای جلد فراهم کنند و
استحکام لازم را نیز برای جلد کتاب ایجاد نمایند. خصوصاً در گذشته که تهیه کتاب مستلزم زحمات
زیادی بود، حفظ کتاب یا پوشش جلد از اهمیت بالایی برخوردار بوده است
جلد اغلب کتابهای قدیمی با پوست و چرم و پارچه های مقاوم تهیه می شده که امروزه نیز برای
صحافی کتابهای نفیس و ارزشمند از پوست و چرم مصنوعی و پارچه و دیگر مواد مقاوم استفاده می
شود. برای حفاظت بعضی از کتابها، صندوق و جعبه نیز ساخته می شده تا این متاع گرانبها و
ارزشمند به خوبی نگهداری شود
امروزه، با پیشرفت علم و تکنولوژی و فن آوری کاغذ و مقواسازی و نیز به دلیل کثرت آدمها و مصرف

زیاد کتاب، صحافی شکلی اجمالی و ساده به خود گرفته و جلداکثر کتابها از یک لایه مقوا به نام شومیز تشکیل می شود. البته پیشرفت و امکانات وسیع چاپ باعث شده تا از طرحها و رنگهای متفاوت بر روی جلد کتاب استفاده شود. در گذشته هدف اول جلدسازی محافظت از کتاب و بعد زیبایی آن بوده است.

طراحان، عموماً برای تزیین جلد کتابها از عناصر تزیینی و نقاشی گل و بوته و تذهیب و تشعیر و بعضاً قطاعی عناصر تزیینی بهره می گرفتند و نام و عنوانی نیز بر روی کتابها مشاهده نیم شد. ولکن امروزه، نام و عنوان هر کتابی بر روی جلد آن چاپ می شود و اغلب طراحان کوشش دارند تا محتوای کتاب را نیز در قالب طرح و تصویر و یا آرایشهای ویژه در روی جلد کتاب منعکس کنند و خواست و نیاز و روحیه مخاطب را نیز در نظر بگیرند

طرح روی جلد کتابهای امروزی دارای تنوع بیشتری نسبت به گذشته است. این تنوع در عین حال شامل جنس جلد کتابها نیز می شود. اگر به فروشگاهها و نمایشگاههای بزرگ کتاب مراجعه کنیم، انواع جلدها و طرح جلدها را خواهیم دید. جلدهایی با طرحهای ساده و با رنگهای محدود و جلدهای مقوایی، جلدهای پلاستیکی، جلدهای مقوایی سلفون کشیده و ... با رنگهای متنوع. این تنوع در واقع پاسخگوی نیازهای مخاطبان و بهره گیران از کتاب است

کثرت کتابهای منتشره باعث شده تا بعضی از ناشران و یا موسسات فرهنگی، طراحی کلی و مشخص برای روی جلد کتابهای خود تهیه کنند تا از رقبای خود تمیز داده شوند. این نوع کتابها دارای شکلی مشخص و ثابت هستند که فقط در عنوانها و احتمالاً طرح کوچکی که به تناسب موضوع بر روی آنها چاپ می شود با هم اختلاف دارند. این گونه طرح جلدها دارای (یونیفورم) ثابت هستند. یونیفورم یا پوشش متحدالشکل عموماً به لباسها و طرح جلدهای مشابه اطلاق می شود

امروزه جلد کتابها از چند عنصر تشکیل شده که عبارتند از: جنس پوشش کتاب، عنوان کتاب، طراحی روی جلد، نشان و علامت ناشر، عطف و پشت جلد که بعضاً ساده و در پاره ای موارد نیز حاوی اطلاعاتی در خصوص متن کتاب، نشان، علامت و آدرس ناشر و قیمت کتاب و بارکد و نیز معروف مؤلف و مترجم تشکیل شده است

طراحی شناسنامه کتاب

هر کتاب دارای یک صفحه ویژه به نام شناسنامه است که به آن صفحه حقوقی نیز می گویند. صفحه شناسنامه حاوی اطلاعاتی در خصوص نام کتاب، مؤلف، مترجم، ویراستار، لیتوگرافی، چاپخانه، تعداد نسخه های چاپ شده و نوبت و تاریخ چاپ و مشخصات ناشر است. اطلاعات دیگری همچون فهرست نویسی کتابخانه ای و شابک نیز در این صفحه ارائه می شود

در ارائه اطلاعات شناسنامه نیز می توان از ترکیب حروف مختلف و تنظیم آنها و با بهره گیری از بعضی عناصر ساده بصری مانند خط، نقطه و گاهی نیز از رنگ برای ایجاد زیبایی و چشم نوازی و خوانایی بیشتر، بهره مند شد. اگر چه اطلاعات این صفحه محدود و مشخص می باشد ولیکن دارای تنوع زیادی در تنظیم و چینش آنها وجود دارد. در تنظیم صفحه شناسنامه نیز بایستی به سن و سال مخاطب کتاب توجه شود

طراحی فهرست کتاب

برای دسترسی آسان و سریع به محتوای هر کتاب نیاز به فهرست هست که معمولاً در صفحات اولیه کتاب چاپ می شود. البته کتابهای دارای صفحات زیاد و مطالب متنوع معمولاً بایستی فهرست داشته باشند. به عنوان مثال یک کتاب درسی و یا علمی که از بخش ها و فصلها و موضوعهای گوناگونی تشکیل شده حتماً نیاز به فهرست دارد ولیکن یک کتاب ساده کودکانه که فقط حاوی یک قصه مصور است، نیازی به فهرست ندارد. گاهی کتابهای قطوری مثل بعضی از رمانها که هیچگونه بخش بندی و فصل بندی و تیتري جز عنوان اصلی ندارد، فهرست نیز نمی خواهد

بعضی از کتابها دارای فهرستی ساده و بعضی نیز دارای فهرستی ترکیبی هستند

هر بخش آن بطور مثال کتابی که فقط دارای چند بخش یا فصل و یا تیتري هست، فهرستی ساده دارد چند فصل و در هر فصل چند تیتري و هر تیتري دارای چند سوتیتري (تیتري فرعی) هست، نیاز به فهرستی مفصل دارد. ترتیب فهرست کتابهایی که دارای مطالب متعدد و متنوعی هستند بدین قرار است همانگونه که ملاحظه می کنید ممکن است هر بخش دارای چند فصل و هر فصل دارای چند تیتري اصلی و هر تیتري دارای چند سوتیتري (تیتري فرعی) باشد. گاهی نیز ممکن است هر سوتیتري دو سه موضوع کوچکتر نیز بعد از خود داشته باشد

هر بخش رami توان به تنه درختی تشبیه کرد که هر چه بالاتر می رود تا به شاخه های کوچکتر و از آنجا به سر شاخه ها و برگها برسد

برای تهیه صفحات فهرست و یا هر صفحه دیگری از یک کتاب و برای حفظ هماهنگی لازم بین تمامی صفحات آن بایستی یک چهارچوب خاص برای کلیه صفحات طراحی شود. این اسکلت بندی یکسان موجب می شود که صفحات کتاب با یکدستی و با انتظامی واحد به دنبال هم قرار بگیرند

تمامی صفحات خاص مانند: عنوان، فهرست، شناسنامه، آغاز، متن و ... بایستی از آن چهارچوب اصلی تبعیت کنند تا تعادل بصری و تناسبات همگونی در صفحات احساس شود

طراحی صفحه عنوان

▪ صفحه عنوان هر کتاب معمولاً دارای اطلاعاتی به شرح زیر است

اسم یا عنوان کتاب (۱)

نام مولف (۲)

(نام مترجم) در صورتی که کتاب ترجمه شود (۳)

نام ویراستار (۴)

تصویر گر، عکاس، رسام و (۵)

جاگذاری اسم کتاب در صفحه عنوان و تنظیم آن با دیگر اطلاعاتی که بر شمردیم تابع ذوق و سلیقه بدیهی است بهترین جای صفحه زیباشناسانه و در عین حال ارزش گذاری به تک تک اطلاعات است عنوان به اسم کتاب تعلق دارد و سپس به نام مؤلف بقیه موارد نیز به تناسب در صفحه جاسازی می شوند. می توان نقاط طلایی صفحه عنوان را تعیین و رسم و مابقی اطلاعات را در آن جاسازی کرد روش دیگر آن است که اسم و دیگر اطلاعات را چندین باز جابجا کرده و در صفحه حرکت بدهیم تا جای مناسب آنها را پیدا کنیم. بدیهی است که طراحی صفحه عنوان و جاسازی مطالب آن بایستی با دیگر صفحات اولیه کتاب نیز هماهنگی داشته باشد. و از همان اسکلت بندی کلی صفحات تبعیت کند

در طراحی صفحات می توان از امکانات متعددی که در اختیار ما هست استفاده کنیم. تعیین قلمی ویژه از حروف، انتخاب اندازه آن، ترسیم قاب برای عنوان و یا آزاد گذاشتن آن، استفاده از نشانه های هندسی، خط، خط چین و امثال اینها امکان ایجاد تنوع در طراحی صفحه عنوان را به ما می دهند. لکن در هر حال بایستی به نکاتی دیگر نیز توجه داشته باشیم که پرهیز از شلوغی صفحه و سرد درگم کردن خواننده، رعایت موضوع و مخاطب کتاب و ... از جمله آنهاست. به این نمونه ها توجه بفرمایید

طراحی صفحات خاص

همانگونه که در (آشنایی با صفحه آرایی) بیان شد، موضوع، مخاطب و کاربری هر کتاب می تواند تعیین کننده نوع طراحی صفحات آن باشد. لذا قبل از اینکه بخواهیم به آرایش یک کتاب مبادرت ورزیم بهتر است همه ویژگیهای آن را بررسی کرده و سپس یک چهارچوب کلی و یکسان برای صفحات آن طراحی کنیم و آنگاه به آرایش هر صفحه بپردازیم بدیهی است که در ترکیب بندی صفحات کل کتاب بایستی از همان چهارچوب اصلی اولیه پیروی شود.

البته شکل عمومی و کلی صفحات یکسان خواهد شد ولی در جزئیات شکل صفحات قطعاً تفاوتی وجود خواهد داشت

در واقع طیفی از امواج الکترومغناطیس ایت که انرژی بالایی داشته و همان UV (Ultra Violet) چیزی است که در نور خورشید نیز وجود دارد. از این اشعه برای خشک کردن رنگ های چاپ و معروف است. در واقع سیستم UV پوشش های مختلف استفاده می کنند. آنچه که به نام پوشش خشک می شود. مرکب و پوشش هایی که با سیستم UV خشک کن پوششی است که تنها با اشعه خشک می شوند بدون بو هستند و پس از خشک شدن روی هم نمی چسبند. ورنی چاپ نیز شبیه UV به چاپ رنگ در افست است با این تفاوت مه به جای رنگ، ورنی در ماشین چاپ ریخته و کار را یکبار دیگر از ماشین چاپ عبور می دهند. با تهیه زینک جداگانه می توان در نقاط خاصی وی کار قطع کتاب یا سالنامه با توجه به طول و عرض صفحات کاغذ آن مشخص: **(قطع ابعاد.. چاپی ورنی زد می شود. برخی از قطع های معروف بدین شرح است: قطع مدیران (25/5×19/5)، قطع وزیری (21×14)، قطع خشتی (21×21)، قطع پالتویی (21/5×10/5)، قطع جیبی (23×16) پالتویی (16×7/5) و...**

2. عطف

قسمتی از عرض جلد کتاب یا سالنامه که پشت و روی جلد را به هم متصل می کند و در صحافی گالینگور و جلد سازی بصورت ته صاف یا ته گرد و یا اشکال دیگر می تواند باشد

3. جلد چرمی

از چرم مصنوعی تولید شده و معمولاً دور جلد دوخته می شود. به دلیل نرم بودن و دوام بیشتر، جلد چرمی مورد توجه بیشتری واقع می شود. چرم مصنوعی در انواع بافت ها و رنگهای مختلف و همچنین تولیدات ایرانی و خارجی موجود می باشد. (استفاده از چرم طبیعی برای جلد سالنامه امکان پذیر بوده ولی در عین حال بسیار گران است)

4. جلد گالینگور

گالینگور به کاغذ با پوشش مخصوصی که برای روکش جلد کتاب و یا جعبه های خاص استفاده می گردد، گفته می شود. گالینگور در رنگهای بسیار متنوع و در طرحهای مختلف در انواع تولیدات ایرانی (و خارجی موجود است) در تولیدات بانک سالنامه از بهترین انواع گالینگور خارجی استفاده می شود

5. طلا کوبی و نقره کوبی

طلا کوبی یعنی ثبت آرم و یا نوشته با حروف درشت بر روی انواع گالینگور و یا کاغذ و مقوا همراه با فشار و حرارت. عموماً برای درج آرم و نام شرکت بر روی جلد های گالینگور استفاده می شود. بر خلاف نام طلاکوبی، رنگهای متنوع داشته ولی رنگ نقره ای آن بیشتر استفاده می شود. قبل از

طلاکوبی باید کلیشه آرم و نوشته مورد نظر ساخته شود. در صورتی که هنگام طلاکوبی کلیشه بدون استفاده از ورقه های طلا به کار گرفته شود، سطح گالینگور بدون آنکه رنگی به خود بگیرد اندکی گود شده که جذابیت خاصی دارد.

6. داغی

حک و گود کردن آرم یا نوشته بر روی جلد چرمی و یا گالینگور که با استفاده از کلیشه آن طرح امکان پذیر است. داغی رنگ نداشته و فقط با فرورفتگی ایجاد شده قابل تشخیص است. برخی انواع گران قیمت گالینگور و چرم (ترمو) در اثر فشار حرارت کلیشه تغییر رنگ داده و تیره می شود. کلیشه مورد استفاده برای جلد چرمی حتماً باید 3 میلی متر باشد. در مواردی چاپ آرم رنگی بر روی جلدهای گالینگور و چرمی با استفاده از چاپ سیلک امکان پذیر است.

7. جلد 4 رنگ و سلفون

در این نوع جلد طرح جلد و پشت جلد بصورت 4 رنگ با استفاده از چاپ افست چاپ شده و برای محافظت بیشتر روی آن سلفون (مات یا براق) می کشند. در این نوع جلد امکان چاپ تصاویر و یا براق یا مات جذابیت بیشتری به جلد U.V استفاده از نقوش با کیفیت و وضوح بالا امکان پذیر است خواهد داد. توجه: قبل از طراحی جلد حتماً مشخصات فایل مورد نیاز برای چاپ را با بانک سالنامه را کنترل نمایید.

8. آستر بدرقه

ورق کاغذی نسبتاً ضخیم که از یک طرف به داخل جلد و از طرف دیگر به اولین صفحه کتاب یا سالنامه متصل می شود. آستر بدرقه های تولیدات بانک سالنامه به رنگ طوسی سیر بوده و در صورت سفارش امکان چاپ آرم و یا تصاویر و یا نقشه ایران و جهان امکان پذیر است. توجه: هزینه چاپ رنگهای نقره ای، طلایی، مسی و یا چاپ رنگ های معمولی به صورت زمینه پر معادل 2 رنگ چاپ محاسبه می شود.

9. صحافی سیمی

اتصال صفحات سالنامه و کتاب در حالت صحافی عادی با استفاده از دوخت و رشته های نخ بوده ولی در صورت نیاز امکان صحافی سیمی (زوج) وجود دارد. توجه: به علت قطور بودن سالنامه های روزانه صحافی سیمی این نوع سالنامه های توصیه نمی شود.

چاپ متن ها و تصاویر تبلیغی بر روی کاغذ های گلاسه و صحافی آن در ابتدا و :تبلیغ رنگی 10. انتهای سالنامه. تعداد صفحات تبلیغ گلاسه باید یکی از اعداد (48/40/32/24/16/8/4/2 و ...) باشد. قبل از طراحی صفحات تبلیغی حتماً مشخصات فایل مورد نیاز برای چاپ را با بانک سالنامه :توجه کنترل نمایید.

11. فرمهای اضافی

هر 16 صفحه از اوراق کتاب یا سالنامه را یک فرم می‌نامیم (البته فرمهای 12/32/4 و... صفحه ای نیز وجود دارند) در صورت نیاز می‌توان اطلاعات خاص مانند مشخصات فنی- اطلاعاتی مهندسی- نمایندگی‌ها- صفحات یادداشت و... را به سالنامه مورد نظر خود اضافه کنیم.

چاپ آرم صفحات 12.

آرم و یا مشخصات شرکت‌ها می‌تواند بصورت تک رنگ و یا چند رنگ روی صفحات سالنامه چاپ شود محل چاپ آن هر جای صفحه می‌تواند باشد ولی در تولیدات بانک سالنامه محل مشخصی در بالای صفحه برای این کار در نظر گرفته شده که استفاده از آن توصیه می‌شود. چاپ آرم و یا نوشته به صورت کم رنگ (ترام) در زمینه کاغذ نیز امکان پذیر است. همچنین زمینه سفید کاغذ می‌تواند به رنگ کرم و یا رنگهای دیگر چاپ شود.

ربان اختصاصی 13.

استفاده از ربان اختصاصی با عرض 11 میلی‌متر که نام و یا آرم شرکت در طول آن تکرار می‌شود. زیبایی سالنامه را دو چندان می‌کند. بافت ربان با 2 یا چند رنگ امکان پذیر است.

کلیشه 14.

قطعه فلزی که طرح آرم و یا نام شرکت به صورت برجسته (به ارتفاع 1/5 یا 3 میلی‌متر) روی آن ثبت شده و برای طلاکوبی و یا داغی مورد نیاز است. برای تهیه کلیشه، یک برگ پرینت با کیفیت خوب در اندازه یک به یک و سیاه و سفید (بدون ترام و قسمت‌های خاکستری) از آرم یا متن مورد نظر مورد نیاز است.

صحافی

شامل عملیات پس از چاپ می‌باشد که شامل درخت- ترتیب «تا» جهت کتابها و مجلات می‌شود و همچنین جلد کتاب‌ها و ترسیم کتابها در صحافی انجام می‌شود سلفون کشی روی کارهای چاپ شده؛ در این روش يك پوشش از جنس سلفون روی مواد چاپ شده جهت جلوگیری از خش و زیبایی کارها کشیده می‌شود مواد قابل سلفون: کلیه کارهای چاپی روی مقواهای گلاسه در این روش يك پوشش از جنس مواد شیمیایی بصورت مات و براق روی مواد چاپ شده جهت U.V

زیبایی و جلوگیری از خش زده می شود
 چاپ افست در این روش با استفاده از فیلم و رنگ مواد قابل چاپ را تکثیر می نمایند
 مواد قابل چاپ در این روش: کتاب، روزنامه، مجله، بروشور، جلد کتاب، لیبل، کارت ویزیت، سر برگ، ..
 چاپ گود، در این روش با استفاده از سیلندر گود شده عمل چاپ صورت می گیرد و برای تیراژهای
 زیاد بسیار مناسب می باشد. مواد قابل چاپ در این روش: انواع کاغذ و مقوا، فیلم های پلاستیکی
 (سلفون، پلیپر و پیلن، نایلون، پلی استر، پی وی دی، سی، پلی اتیلن، فویل) پارچه، لفاف های بسته بندی،
 کیسه های دستی تبلیغاتی

فونت و صفحه آرایه

در گزارشی که نشریه کتاب هفته منتشر کرد، به بررسی وضع فونت‌های فارسی و نحوه انتخاب آنها
 برای نگارش کتاب پرداخته است. خلاصه این گزارش پیش روی شماست
 نوع فونت نوشته‌های مختلف در یک کتاب بر چه اساسی تعیین
 در این باره معتقد است **[URL="http://www.shivadesign.com/"]** قباد شیوا می‌شود؟
 تعداد فونت‌های ایرانی بسیار اندک است و ادامه می‌دهد: "اگر دایره انتخاب فونت گسترده‌تر باشد،
 طراح گرافیک می‌تواند انتخاب بیشتری داشته باشد." وی افزود: "درست است که فونت‌ها باید
 متناسب با محتوا تغییر کند و مثلاً برای یک متن قاجاری، فونت و خط ثلث مناسب‌تر از فونت‌های
 معاصر است اما باید توجه کنیم که فونت در مرحله اول باید خوانا باشد. از این رو فاصله سطرها،
 فاصله بین کلمه‌ها و انتخاب نوع فونت براساس جنس مخاطب دچار تغییر می‌شود." شیوا بر این باور
 است: "اغلب ناشران به اقتصاد بیش از سایر موارد بها می‌دهند و از این رو انتخاب فونت از سوی آنها
 جنبه اقتصادی دارد، یعنی فونت و اندازه‌ای را انتخاب می‌کنند که با فرم‌های چاپی نیز همخوان
 باشد."

هم در این خصوص معتقد است اغلب **[URL="http://www.adibi.net/"]** فرزاد ادیبی
 فونت‌های فارسی موجود، بیشتر از روی فونت‌های عربی کپی شده‌اند و شناسنامه ایرانی ندارند. وی
 ادامه داد: "نوع، اندازه و شکل ظاهری فونت برای یک کتاب بسیار تعیین‌کننده است که این نکات
 کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد." ادیبی می‌گوید: "فونت، لحن نوشتن است و همچنان که یک پزشک
 لحنش با یک فیلسوف فرق می‌کند، واژه‌هایی که در یک کتاب ادبی وجود دارد نیز با واژه‌هایی که در
 یک کتاب فیزیک وجود دارد فرق می‌کند. انتخاب فونت نیز برای اینها باید با ظرافت صورت بگیرد.
 "هر فونت طعم خودش را دارد"

هیچ یک از "مسعود سپهر هم به تعداد اندک فونت‌های فارسی خوانا اشاره می‌کند و می‌افزاید فونت‌های فارسی متناسب با موضوع یا خواننده یا شرایط ویژه طراحی نشده‌اند، بنابراین توجه به محتوای متن هنگام انتخاب فونت فارسی تقریباً امکان‌پذیر نیست". وی پنج موضوع را در انتخاب فونت مهم می‌داند: محتوای متن، سطح سواد خواننده، شرایط خاص چاپ، شرایط ویژه هنگام خواندن متن و سطح تخصصی موضوع

انتخاب فونت در آثار مکتوب بر حسب نیاز مخاطب باید صورت بگیرد که این مساله کمتر مورد " مهدی [URL="http://www.rasm.ir/default.asp?spage=about"] توجه قرار می‌گیرد ضمن اعلام این مطلب می‌افزاید: "اغلب ناشران و طراحان در انتخاب نوع فونت برای [URL] صادقاً یک کتاب معمولاً دو موضوع را در نظر دارند: خوانایی و ارتفاع فونت. البته این دو شرط در انتخاب فونت مناسب کافی نیست و بایستی محتوای کتاب را هم در نظر داشت". وی ادامه داد: "متأسفانه در بیشتر کتاب‌های هنری که توسط برخی طراحان بنام صفحه‌آرایی شده نیز مساله تناسب فونت با "محتوای کتاب در نظر گرفته نمی‌شود

برای هشتصدوپنجاه و دومین بار سراغ کتابی می‌روم که هشتصدوپنجاه و یک بار پیش از این خواسته‌ام بخوانمش و نشده؛ کتابی با صفحاتی سی و چهار سطر، با فونت نه که شماره‌ی صفحه در حال بیرون زدن از بالای کاغذ است و به میانه‌ی صفحه که می‌رسی باید انگشتت که کتاب را نگه داشته را جابجا کنی تا بتوانی کلمات - و نه کلمه! -ی زیر آن را بخوانی... و برای هشتصدوپنجاه و دومین بار کنار می‌گذارمش. بهتر از این نمی‌شود جلوی کتاب خواندن را گرفت! ناشر همه‌ی سعیش را به کار گرفته که ناشرانی وجود دارند که کتاب ارزان درآید، اما کتاب ارزانی که نشود خواند، به چه کار می‌آید؟! محتوای کتابی که چاپ می‌کنند برایشان مهم است؛ کتاب‌سازی نمی‌کنند، با نویسندگان و مترجمان خوب کار می‌کنند، به ترجمه‌ها خیانت نمی‌کنند، زیر بار سانسور -زیاد- نمی‌روند، ویراستار دارند و خلاصه هر کاری می‌کنند که کتابی با محتوای خوب درآورد؛ اما محتوای خوب، همه چیز نیست؛ کتاب، جز محتوای خوب، برای خواننده شدن، نیاز به چیزهایی دیگر نیز دارد و این، تنها محدود به جلد زیبا یا کاغذ سفید نمی‌شود. به کتابی که چاپ می‌شود باید احترام گذاشت و بیشتر ناشران با این احترام بیگانه‌اند

کتاب نباید غلط املایی داشته باشد؛ شاید کاملاً بی‌غلط بودن آن، نشدنی باشد اما گمان نمی‌رود یک غلط مثلاً در هر پنجاه صفحه خیلی کم باشد

فونت کتاب باید درست انتخاب شود؛ بعضی فونتها کاربرد صرفا گرافیکی دارند و براحتی خوانده نمی‌شوند، پس نباید در متن استفاده شوند. بعضی فونتها چشم‌نواز نیستند. کسی آن فونت سال‌های پس از انقلاب را به یاد می‌آورد که دونقطه‌هایش به هم چسبیده بود؟ خیال می‌کنم به همه‌ی تاریخ چاپ ما چیزی مزخرف‌تر از آن طراحی نشده باشد

یک فونت درست، اندازه‌ی خود را هم همراه دارد؛ چشم نباید از ریز بودن آن خسته شود و ذهن نباید از درشتی آن احساس غبن بکند! در برخی جاها یک یا چند پاراگراف درشت‌تر در اول مطلب، ممکن است کمک خوبی برای وارد کردن خواننده به درون متن باشد. و چیز دیگری که بیشتر اوقات رعایت نمی‌شود، هم‌جنس و هم‌اندازه بودن فونت‌های فارسی و لاتین متن است که احساس بدی با خود به همراه دارد، همین‌طور فاصله‌ی نامناسب بین سطرها یا پاراگراف‌ها، کلمات فارسی و لاتین، بین ارقام و حروف و بین متن و شکل

از این که بگذریم، در یک کتاب با صفحه‌آرایی درست، چیزهای دیگری هم باید رعایت شوند

سفیدی حاشیه‌ی کاغذ باید متناسب با قطع کتاب باشد. خیال می‌کنم حکایت معدودی از ناشران، حکایت آن کودک شده که از پدر می‌پرسید: اگر نوشتن خوب است، چرا حاشیه‌ی کتاب را سفید می‌گذاری؟! پانویس‌ها با خط یا فاصله‌ی به‌اندازه از متن اصلی جدا شوند و حتما با فونت ریزتر؛ همچنین نام کتاب یا نویسنده یا فصل و شماره صفحه در بالا و پایین صفحات خیلی درشت نباشد. بشخصه هیچ‌گونه علامت دیگری چون خط تیره، گیومه، پرانتز و غیره را هم کنار این‌ها تاب نمی‌آورم؛ همه‌ی اینها باید مینیمال باشند. در صفحات سفید کتاب و نیز صفحاتی چون عنوان کتاب و این‌ها نباید هیچ چیز نوشته شده باشد و در شروع فصل‌ها -که صفحه‌آرایان مان گاهی از یاد می‌برند باید از صفحه‌ی سمت چپ باشد و نیز نه از بالای بالای صفحه!- هم نباید اسم کتاب، نویسنده یا عنوان فصل بیاید. و چیز عجیب‌غریب دیگری که این روزها دیده می‌شود، آوردن مطلب، درست پس از جلد کتاب است

کتاب خوب باید کاغذ خوبی داشته باشد. کاغذ خوب نباید بسیار براق یا تیره باشد؛ نباید بیش از حد نازک باشد چون علاوه بر بالاتر رفتن احتمال پاره شدن آن، سطرهای چاپی روی دیگر آن -که گاهی هم دقیقا پشت سطرهای این رو نیستند- دیده شده و مانع از تمرکز هنگام خواندن می‌گردند. ایده‌آل من، کاغذهای سویسی قدیمی و کاغذهای نازک کتاب مقدسی و گرفته‌ها در مورد کتاب‌های شعر هستند هر بار با دیدن چون این نوشته‌ای ممکن است جان بدهم؛ از این کتاب یک هزارو صد نسخه بر روی کاغذ اعلای سویسی در چاپخانه‌ی فلان چاپ شد

خوب دوره‌ی حروف سربی شکسته و ساییده گذشته، اما در این دوره‌ی تایپ و صفحه‌آرایی دیجیتال هم کماکان ناشران زحمت آن را به خود نمی‌دهند که کتابهایی تمیز درآورند و گاهی کتاب‌ها را از روی چاپ قبل آن افست می‌کنند و صفحات پر لک‌وپیس و کلماتی که شارپ نیستند کماکان میان کتاب‌ها دیده می‌شوند

کتاب خوب باید شیرازه‌ی درست و حسابی داشته باشد؛ راستش نمی‌دانم کتابی که همان بار اول خوانده شدن و می‌رود را به چه می‌توان تشبیه کرد. جلد کتاب باید حتما سلفون یا یو-وی شده باشد تا با عرق دست از بین نرود. اگر کتاب به صورت عرضی چاپ می‌شود، جلد آن در صورت گالینکور نبودن باید حتما نرم باشد تا وقت خواندن نشکند

و سر آخر، طرح جلد شکیل و مرتبط با متن، که بیشتر ناشران به علت هزینه یا بی‌سوادی، کتاب‌خوانان را از آن محروم می‌کنند. هنوز کتاب‌های زیادی با طرح‌های شلوغ چون پارچه‌های سردر سینماها یا کتاب‌های نس.رین تام.نی چاپ می‌شوند یا با رنگ‌ها و تایپوگرافی‌های احمقانه و بی‌ربط به متن. حتی اگر ناشران صرفاً فکر جیبشان باشند، طرح جلدهایی چشم‌نوازتر از این‌ها را باید شاهد باشیم

با همه این‌ها که گفتم، و فارغ از حیطة‌ی فعالیت و محتوای کتاب‌ها، بهترین ناشر این چند سال را «نیلا» می‌دانم که احترام به کتاب را به قدر احترام به خواننده می‌شناسد

یک مصاحبه از یک نویسنده، نکات مفید

انتشار کتاب اول موضوعی است که هر نویسنده دقیقاً یک بار در دوره فعالیتش با آن مواجه بوده است و موضوعی است که ناشران در تمام دوره فعالیتشان با آن مواجه‌اند پرداختن به این موضوع از آن جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که انتشار کتاب اول برای نویسندگان بسیاری از نویسندگان مستعدی که بخاطر مشکلات و ددرس‌های به منزله ورود به دنیای کتاب است و

این پیش روی شان از خیر انتشار کتاب گذشته‌اند و همین‌طور بسیاری کسانی که با پشت سر گذاشتن تمام این مصائب کتاب‌شان را چاپ کرده‌اند اما بخاطر مشکلات پس از انشار - که عمده‌ترین آنها مسئله پخش و توزیع است - از انتشار کتاب پشیمان شده‌اند

اگر شما هم فکر می‌کنید که مطالبتان ارزش چاپ شدن داد و به فکر انتشار کتاب افتاده‌اید فقط به این نکته توجه کنید

اگر به اندازه‌ی کافی شناخته شده نیستید که کتاب‌تان را بخاطر اسم‌تان بخرند و اگر دوست یا آشنایی ندارید که در این راه کمک‌تان کند و اگر پول کافی هم ندارید بهتر است به خودتان زحمت ندهید، کمتر کسی حاضر می‌شود این‌روزها روی چنین کارهایی سرمایه‌گذاری کند و انگار نه انگار که تمام نویسندگان بزرگ، روزی اولین بوده‌اند

مشکلات انتشار کتاب اول، بطور خاص در حوزه ادبیات و شعر را از دید ناشران، نویسندگان و دست‌اندرکاران نشر جویا شدیم

کتاب اول چگونه منتشر می‌شود؟

ناشرها معمولا برای انتشار کتاب اول شاعران و نویسندگان را موظف به سرمایه‌گذاری کل مبلغ هزینه چاپ می‌کنند، البته بعضی از ناشرها با نویسندگان کنار می‌آیند و مثلا ۵۰٪ مبلغ را اول و ۵۰٪ بقیه این‌ها را فرهاد صفریان شاعر و وبلاگ‌نویس می‌گوید. وقتی از او «را بصورت قسطی می‌گیرند می‌پرسیم که آیا قصد چاپ کتاب اشعارش را دارد یا نه می‌گوید اگر انتشاراتی با شرایط مناسب پیدا شود که حتی ۵۰٪ هزینه چاپ را تقبل کند این کار را خواهم کرد

در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب پلاکارد آبی‌رنگی در یکی از غرفه‌ها جلب توجه می‌کرد. روی این پلاکارد نوشته شده بود: «چنانچه حتی یک اثر قابل چاپ دارید و به هر دلیل تاکنون موفق به انتشار آن نشده‌اید حتما با ما تماس بگیرید

به سراغ نامور مدیر این انتشارات می‌رویم. نامور می‌گوید: «انتشارات رجا تهران الان مدتی است که کتاب‌های اول را منتشر می‌کند. ما برای شروع در چند جا از جمله مجله‌ی موفقیت آگهی دادیم. ما این کتاب‌ها را به چند نوع چاپ می‌کنیم. اما معمولا به این‌صورت است که برای فشار نیامدن به نویسنده یک مقداری را ما سرمایه‌گذاری می‌کنیم و یا سعی می‌کنیم سهمشان را قسطی بگیریم.» از تقریبا با ۱۵۰ هزار تومان «هزینه چاپ یک کتاب حدود هفتاد صفحه‌ای می‌پرسیم، پاسخ می‌دهد هزار تومان، البته با کاغذ خوب و جلد گلاسه کتاب در می‌آید. اگر دوهزار تا هم بزنیم می‌شود ۳۰۰ گرمی

واقعیت این است که شما برای چاپ کتاب‌تان هر چقدر هم ارزشمند باشد باید خودتان دست به جیب شوید، ناشرین در پاسخ به این سوال که چرا برای چاپ این کتاب‌ها نویسنده را مجبور به «ضرر می‌کنیم» سرمایه‌گذاری می‌کنند همگی متحدالقول یک پاسخ دارند

ظاهراً تجربه نشان داده است که چاپ این کتاب‌ها برای ناشرین جز ضرر چیزی نداشته است. محمد عزیزی، شاعر، نویسنده و مدیر مسئول انتشارات روزگار در این باره می‌گوید: «از ابتدای تاسیس نشر روزگار این‌را وجهه همت خودم قرار دادم و دوستانی که به من مراجعه می‌کردند، سعی می‌کردم که اولین کتابشان را منتشر کنم؛ البته به شرطی که به قول حافظ آئی داشته باشد، بنده طلعت آن باش که آئی دارد»

در ابتدا ما بدون اینکه توقع کمکی از آنها داشته باشیم تعدادی از این کتابها را چاپ کردیم اما چون کمک دولتی نشدیم و از طرفی این کتاب‌ها هم پشت ویتترین کتاب‌فروشی‌ها قرار نگرفتند و انبار شدند، از لحاظ اقتصادی متضرر شدیم و در ادامه کار بجای اینکه چاپ این کتاب‌ها را قطع بکنیم به یک راه حلی رسیدیم و آنکه پیشنهاد کردیم برای اینکه بچه‌ها خودشان متوجه وضعیت نشر بشوند و گلایه نکنند از آن‌ها خواستیم مثلاً ۵۰۰ جلد از کتاب خودشان را ولو با ۳۰٪ تخفیف از ما بخرند. الان این‌ها یک تعداد کتاب را از ما پیش خرید می‌کنند و ما کتابشان را چاپ می‌کنیم

مشکل بعدی هم توزیع است که مراکز پخش رغبتی به توزیع این‌ها ندارد دریاورد به کتاب‌های موجود در غرفه اشاره می‌کند و می‌گوید: «کتاب‌هایی که می‌بینید حدود ۱۵ کتاب شعر اول هستند که شاعر سرمایه‌گذاری کرده است، البته بعضی‌ها با مشارکت ناشر. تمام این کتاب‌هایی را که می‌بینید، بجز ۲-۳ تا همه را مولف سرمایه‌گذاری کرده است.» دریاورد در مورد هزینه چاپ یک کتاب می‌گوید بستگی به تعداد صفحه دارد. معمولاً صفحه‌ای ۵ تا ۶ هزار تومان هزینه دارد

البته اگر شما به اندازه کافی در این حوزه سرشناس باشید احتمالاً کمتر با این مشکلات مواجه خواهید شد. از یغما گلرویی، ترانه‌سرا، در مورد مشکلات چاپ کتاب اولش پرسیدیم. یغما توضیح می‌دهد: «من مشکلی برای چاپ اولین کتابم نداشتم، یعنی اصلاً نمی‌خواستم کتاب چاپ کنم. شعرهایم پیش حمید صدری، دوست آهنگسازم بود. کارهایم را به مدیر انتشارات دارینوش داده بودند و خودشان «بدون اینکه من بدانم تصمیم گرفتند کتابم را چاپ کنند و خیلی راحت هم چاپ شد رسول یونان، شاعر و ترانه‌سرا، هم در پاسخ به این سوال ما می‌گوید: من مشکل خاصی نداشتم، شعر نوشتم گرفتند چاپ کردند. همین کتاب روز بخیر محبوب من بود که انتشارات نارنج چاپ کرد. البته من قبل از آن با کارهایم مطبوعات را بمباران کرده بودم و به همین خاطر بود»

بعد از چاپ کتاب

اما نویسندگان جوان پس از پشت سر گذاشتن تمام مشکلات چاپ کتاب اغلب با محصول چاپ شده‌ی مطلوبی مواجه نمی‌شوند. فرهاد صفریان در این مورد می‌گوید: «این کتاب‌ها اشکالات تاپیی فراوانی دارند، انتشاراتی‌هایی که این کتاب‌ها را چاپ می‌کنند ویراستار ندارند. طرح روی جلدشان هم حرفه‌ای نیست. این مسائل به این خاطر است که اینها حرفه‌ای این کار نیستند. بیشترشان شاعر هستند که

مجوز گرفته اند و شعر دوستانشان را چاپ می‌کنند و در مورد طرح روی جلد و ویرایش حرفه‌ای عمل نمی‌کنند و کتاب را همین‌جوری بیرون می‌دهند

یکی از مسائل مربوط به کتاب اولی‌ها که اغلب خودشان هم از آن اطلاعی ندارند چاپ کتابشان در تیراژ غیر واقعی است. یعنی تعداد معدودی از ناشرین کل هزینه کتاب را از نویسنده می‌گیرند، ولی بجای چاپ در تیراژ اسمی مثلا ۱۲۰۰ تا، بوسیله‌ی دستگاه ریسوگراف مثلا ۴۰۰ تا از کتاب چاپ می‌کنند؛ در حدی که تعدادی به خود نویسنده می‌دهند و بقیه را هم در بازار پخش می‌کنند و در نمایشگاه عرضه می‌کنند. اگر این مقدار فروش رفت دوباره چاپ می‌کنند و گرنه همان مقدار می‌ماند و این در حالی‌ست که نویسنده تصور می‌کند کتابش در تیراژ اسمی منتشر شده است اینها را یک نویسنده که خود با مسائل نشر آشناست به ما گفت و البته تاکید کرد که از او اسمی نبریم

اما شاید بزرگ‌ترین مشکل کتاب‌اولی‌ها - و کلا حوزه کتاب - مسئله توزیع و پخش کتاب باشد. جایی که باعث می‌شود گاهی تصور کنیم چاپ شدن یا نشدن کتاب تفاوتی نداشته است

ماfiای توزیع؛ مشکل اساسی

مطمئن باشید مشکلات توزیع و پخش کتاب اینقدر جدی است که وقتی صحبت آن به میان می‌آید برخی عنوان «ماfiای توزیع» را مطرح می‌کنند. این مسئله طبیعتا در مورد نویسندگان گمنامی که اولین کتابشان را منتشر کرده‌اند بیشتر مشکل‌زاست

فریاد شیری، شاعر و کارشناس ادبی نشر نگیم، در این مورد می‌گوید: «مشکل اصلی این است که پخش‌هایی که ما با آنها کار می‌کنیم، اصلا کتاب شعر را نمی‌گیرند. یعنی هیچ پخش‌ی حاضر نمی‌شود با حتی ۵۰٪ هم کتاب شعر را پخش کند. البته آنها هم گناهی ندارند. چون کتاب‌فروشی‌ها کتاب شعر را پخش نمی‌گیرند. فقط چند تا کتاب فروشی معدود در تهران است که کتاب شعر را بطور امانی می‌گیرند، ببینند فروش می‌رود یا نه، البته آنها هم با ۴۰٪ تخفیف. اصلا با این همه مشکلات که نه

بخشی کتاب را می‌گیرد و نه مخاطب دارد به نظر من چاپ کتاب اول حماقت است دریانورد، مدیر انتشارات دریانورد که در شهر بوشهر فعالیت می‌کند می‌گوید: «ما ناشرین شهرستانی دستان به مراکز پخش تهران نمی‌رسد و اگر هم برسد اینها کتاب شعر را نمی‌گیرند، اگر کتاب داستان باشد که کتاب نویسنده‌های گمنام را نمی‌گیرند. کلا اینها کتب ناشرهای گمنامی مثل ما را نمی‌گیرند و اگر بپذیرند با درصد بالایی می‌خواهند. مثلا یک کتاب را به ما گفتند با ۶۰٪ تخفیف می‌گیریم. نامور، مدیر انتشارات رجا تهران هم می‌گوید: پخش ما ضعیف است. کلا پخش در ایران ضعیف است. البته بعضی‌ها آمده‌اند اتحادیه درست کرده‌اند، مثلا اتحادیه کتب درسی، اما آنها هم موفق نبوده‌اند. من خبر داریم برخی ناشرین از کتابی در مدت شش ماه حتی یک فروش هم نداشته‌اند. الان بصورت مبادله است، کتاب عوض می‌کنند، کتاب دیگران را می‌فروشند

مشکل اصلی کجاست!؟

اما چرا خوانندگان و به طبع آنها کتاب‌فروشی‌ها و مراکز پخش چنین برخوردی با این کتاب‌ها دارند؟ فریاد شیرینی در این مورد می‌گوید: «مسئله اصلی این است که شعر الان در ایران مخاطب ندارد. مخاطب کتاب‌های شعر خود شاعرها هستند که متأسفانه آنها هم همدیگر را قبول ندارند. الان کتاب شعر را خود شاعرها هم نمی‌خرند و همه منتظرند که از همدیگر کتاب را هدیه بگیرند. نامور مدیر انتشارات رجا تهران در این زمینه نظر جالبی دارد و می‌گوید: «وضعیت فعلا همین است. وضعیت اقتصادی مردم هم همین است و شکم مردم سیر نیست و به کتاب نمی‌رسند عمده‌ترین مشکل» اما رسول یونان، شاعر و ترانه‌سرا، مسئله محتوای این کتاب‌ها را مطرح می‌کند بدون اینکه کسی نظر بدهد و کسی. این‌ها این است که می‌خواهند دفترچه مشق‌شان را چاپ کنند ببینید می‌آیند و خاطرات شخصی خودشان را چاپ می‌کنند و این کار هم شخصی است و فقط به درد دوست دخترهایشان می‌خورد! و مردم هم نمی‌خرند

راه حل ناشرین برای کتاب‌های شعر

ناشرین برای فرار از مشکلات چاپ شعرهای نویسندگان جوان بخشی از اشعار افراد مختلف را در قالب یک مجموعه چاپ می‌کنند فریاد شیرینی در این مورد می‌گوید: ما الان کتاب‌نگیما را طرح‌ریزی کردیم و الان کتاب اول را درآوردیم. کسانی که می‌خواستند کتاب چاپ کنند، گفتیم این کار را نکنید، ۲-۳ تا از شعرهای خوب خودتان را خودشان را هم مجبور کردیم که کتاب را پیش خرید کنند. از این بدهید تا در این کتاب چاپ کنیم از کتاب استقبال شد. الان هم خیلی از دوستان دیگر مراجعه می‌کنند و من به آنها می‌گویم فعلا برای اینکه بحران کتاب را، بحران شعر را حل کنیم دست نگه داریم و کتاب چاپ نکنیم

مشکلات نشر فقط در حوزه ادبیات است؟

این سوال را با فریاد شیرینی در میان می‌گذاریم، پاسخ می‌دهد: «مشکلات کتاب اول در همیه زمینه‌ها وجود دارد. در ادبیات هم وضعیت ادبیات داستانی از شعر بهتر است و مردم هنوز ادبیات داستانی را مطالعه می‌کنند

به سراغ عباس طارمی که به تازگی اولین کتابش را با عنوان «شهر هزار حکیم» در حوزه فلسفه و عرفان چاپ کرده است می‌رویم و درباره نحوه چاپ کتابش می‌پرسیم: «من آشنایی قبلی با یکی از مدیران انتشارات روزنه داشتیم. قبلا دو طرح را که مربوط به کسان دیگری بود برده بودم که هر دو هم رد شدند. موضوع را با آن مدیر آشنا در میان گذاشتم که همچین کتابی را در دست تالیف دارم. پس از صحبت‌ها و مذاکرات سرانجام کتاب من چاپ شد، البته بجای حق التالیف به من دوهزار جلد کتاب دادند

طارمی ادامه می‌دهد: مشکلات نشر در ایران در همه حوزه‌ها وجود دارد. هم در زمینه چاپ، هم توزیع و البته فقط به کتاب اولی‌ها هم محدود نمی‌شود و نویسندگان قدیمی هم با این مشکلات در حوزه کتاب‌های فلسفی و مذهبی هم که من در آن فعالیت می‌کنم چون این کتاب‌ها مواجه‌اند خریدار زیادی ندارند ناشران حاضر به سرمایه‌گذاری روی این موضوعات نیستند وقتی این سوال را با دریانورد، مدیر انتشارات دریانورد مطرح کردیم کتابی را با عنوان «بندر دیلم و هفت شهر لیراویب» به ما نشان داد و گفت: «این کتاب را ببینید. در زمینه تاریخ است و کتاب اول نویسنده برای چاپ کتابش پنج میلیون تومان سرمایه‌گذاری کرده است.» دریانورد اضافه می‌کند که: این کتاب حاصل ۵ سال تلاش مولف است. اگر قرار بود برای یک ناشر دولتی یا نهاد دولتی تحقیق بکند حق تالیفش حداقل ۶-۵ میلیون تومان بود و چاپ هم با خودش بود. اما الان ۵ میلیون سرمایه‌گذاری کرده است و انتشاراتی فقط توانسته با او همکاری کند و سرمایه‌گذاری‌ای نکرده است ظاهرا این مشکلات در همه حوزه‌ها وجود دارد و تنها ناشرین دولتی که دغدغه برگشت سرمایه و مسائل اقتصادی را ندارند می‌توانند به سادگی به فعالیتشان ادامه دهند احمد. ف که قرار است بزودی اولین کتابش را در زمینه تاریخ برای یک نهاد دولتی منتشر کند می‌گوید: من در واقع کار تالیف این کتاب را برای این نهاد انجام می‌دهم و مسائل چاپش به من ارتباطی ندارد طبق قراردادی که در ابتدا با من بسته شده من در ازای نوشتن کتاب حق التالیفم را دریافت می‌کنم

چاره کار چیست ؟

نامور در این باره می‌گوید: «مشکلات نشر این‌قدر زیاد است که حل شدنی نیست. فقط یک راه دارد، وزارت ارشاد باید کتاب را از ناشرین نوپا بخرد و در کتابخانه‌ها توزیع کند. مردم را هم تشویق کنند که از کتابخانه‌ها استفاده کنند. این بهترین خدمتی است که دولت با این همه بودجه می‌تواند انجام بدهد

فریاد شیری به کیفیت چاپ بهتر اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر کتاب را به دید یک کالای تجاری نگاه کنیم، ما جلد کتاب را کیفیت کتاب را می‌توانیم تغییر دهیم. مثلا با استفاده از تصویر و یکسری کارهای دیگر شاید بشود مخاطب را جذب کرد محمد عزیزی هم به تاثیر حمایت دولت در این قضیه اشاره می‌کند و می‌گوید: دولت باید از این‌ها

حمایت کند یک وقتی این طرح را دادند ولی اجرا نکردند. دولت باید بگوید کسی که کتاب اول چاپ می‌کند من مقدار معینی را بطور قطع می‌خرم
 عزیزی به نقش مطبوعات هم اشاره می‌کند و می‌گوید
 مطبوعات هم باید در زمینه کتاب اول اطلاع‌رسانی کنند. با اینها مصاحبه کنند. وقتی کتابشان چاپ شد، کتابشان را نقد و بررسی کنند و به هر حال مطرح‌شان بکنند در حالی که معمولاً این کار را نمی‌کنند

مباحث طراحی جلد، شناسنامه کتاب، فهرست، صفحه عنوان

جلد کتاب که در واقع کار پوشش و حفاظت صفحات کتاب را به عهده دارد، یکی از ارکان کتاب سازی است. طراحان و صحافان کتاب همیشه کوشش کرده اند تا طرحهای زیبایی برای جلد فراهم کنند و استحکام لازم را نیز برای جلد کتاب ایجاد نمایند. خصوصاً در گذشته که تهیه کتاب مستلزم زحمات زیادی بود، حفظ کتاب یا پوشش جلد از اهمیت بالایی برخوردار بوده است
 جلد اغلب کتابهای قدیمی با پوست و چرم و پارچه های مقاوم تهیه می شده که امروزه نیز برای صحافی کتابهای نفیس و ارزشمند از پوست و چرم مصنوعی و پارچه و دیگر مواد مقاوم استفاده می شود. برای حفاظت بعضی از کتابها، صندوق و جعبه نیز ساخته می شده تا این متاع گرانبها و ارزشمند به خوبی نگهداری شود
 امروزه، با پیشرفت علم و تکنولوژی و فن آوری کاغذ و مقواسازی و نیز به دلیل کثرت آدمها و مصرف زیاد کتاب، صحافی شکلی اجمالی و ساده به خود گرفته و جلد اکثر کتابها از یک لایه مقوا به نام شومیز تشکیل می شود. البته پیشرفت و امکانات وسیع چاپ باعث شده تا از طرحها و رنگهای متفاوت بر روی جلد کتاب استفاده شود. در گذشته هدف اول جلدسازی محافظت از کتاب و بعد زیبایی آن بوده است

طراحان، عموماً برای تزئین جلد کتابها از عناصر تزئینی و نقاشی گل و بوته و تذهیب و تشعیر و بعضاً قطاعی عناصر تزئینی بهره می گرفتند و نام و عنوانی نیز بر روی کتابها مشاهده نیم شد. ولکن امروزه، نام و عنوان هر کتابی بر روی جلد آن چاپ می شود و اغلب طراحان کوشش دارند تا محتوای کتاب را نیز در قالب طرح و تصویر و یا آرایشهای ویژه در روی جلد کتاب منعکس کنند و خواست و نیاز و روحیه مخاطب را نیز در نظر بگیرن
 طرح روی جلد کتابهای اموززی دارای تنوع بیشتری نسبت به گذشته است. این تنوع در عین حال شامل جنس جلد کتابها نیز می شود. اگر به فروشگاهها و نمایشگاههای بزرگ کتاب مراجعه کنیم،

انواع جلدها و طرح جلدها را خواهیم دید. جلد‌هایی با طرح‌های ساده و با رنگ‌های محدود و جلدهای مقوایی، جلدهای پلاستیکی، جلدهای مقوایی سلفون کشیده و ... با رنگ‌های متنوع. این تنوع در واقع پاسخگوی نیازهای مخاطبان و بهره‌گیران از کتاب است

کثرت کتاب‌های منتشره باعث شده تا بعضی از ناشران و یا موسسات فرهنگی، طراحی کلی و مشخص برای روی جلد کتاب‌های خود تهیه کنند تا از رقبای خود تمیز داده شوند. این نوع کتاب‌ها دارای شکلی مشخص و ثابت هستند که فقط در عنوانها و احتمالاً طرح کوچکی که به تناسب موضوع بر روی آنها چاپ می‌شود با هم اختلاف دارند. این گونه طرح جلدها دارای (یونیفورم) ثابت هستند. یونیفورم یا پوشش متحدالشکل عموماً به لباسها و طرح جلدهای مشابه اطلاق می‌شود

امروزه جلد کتابها از چند عنصر تشکیل شده که عبارتند از: جنس پوشش کتاب، عنوان کتاب، طراحی روی جلد، نشان و علامت ناشر، عطف و پشت جلد که بعضاً ساده و در پاره ای موارد نیز حاوی اطلاعاتی در خصوص متن کتاب، نشان، علامت و آدرس ناشر و قیمت کتاب و بارکد و نیز معروف مؤلف و مترجم تشکیل شده است

طراحی شناسنامه کتاب

هر کتاب دارای یک صفحه ویژه به نام شناسنامه است که به آن صفحه حقوقی نیز می‌گویند. صفحه شناسنامه حاوی اطلاعاتی در خصوص نام کتاب، مؤلف، مترجم، ویراستار، لیتوگرافی، چاپخانه، تعداد نسخه‌های چاپ شده و نوبت و تاریخ چاپ و مشخصات ناشر است. اطلاعات دیگری همچون فهرست نویسی کتابخانه‌ای و شابک نیز در این صفحه ارائه می‌شود

در ارائه اطلاعات شناسنامه نیز می‌توان از ترکیب حروف مختلف و تنظیم آنها و با بهره‌گیری از بعضی عناصر ساده بصری مانند خط، نقطه و گاهی نیز از رنگ برای ایجاد زیبایی و چشم‌نوازی و خوانایی بیشتر، بهره‌مند شد. اگر چه اطلاعات این صفحه محدود و مشخص می‌باشد ولیکن دارای تنوع زیادی در تنظیم و چینش آنها وجود دارد. در تنظیم صفحه شناسنامه نیز بایستی به سن و سال مخاطب کتاب توجه شود

پایان



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

